

آرامش انقلابی را حفظ کنیم

و بدینسان تاکتیک امپریالیسم امریکا و ضد انقلاب پرورده اش را برای ایجاد تشنج و درگیری در محیط کار و زندگی، در شهرها و روستاها، بی اثر سازیم

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۲
سه شنبه ۲۶ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۲۹ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

همه شواهد و همچنین همه حوادث هفته ها و روزهای اخیر حاکی از آنست که امپریالیسم امریکا و ضدانقلاب پرورده اش، برای زمینه سازی اجرای توطئه هفتم امریکا، تاکتیک اصلی خود را در لحظه کنونی، برای انداختن اعتصاب و تخریب در محل های کار، ایجاد تشنج و درگیری در شهرها و روستاها، ایران، دست زدن به ترور شخصیت های سیاسی و مذهبی و خرابکاری در موسسات حساس قرار داده اند.

امپریالیسم امریکا و ضدانقلاب پرورده اش با این تاکتیک میخواهند هم جبهه داخلی انقلاب را تضعیف کنند و هم افکار عمومی مردم و مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران را از پرداختن به خطر اصلی - توطئه براندازی امریکا - منحرف سازند تا - طبق محاسبه خود - زمان وارد آوردن ضربه نهائی به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فرا رسد.

امپریالیسم امریکا و ضدانقلاب پرورده اش باید در پیش گرفته شود - همانطور که امام خمینی در روزهای اخیر بارها تأکید کرده اند - حفظ آرامش است. تنها با چنین روشی میتوان و باید تاکتیک امپریالیسم امریکا و ضدانقلاب پرورده اش را برای ایجاد تشنج و درگیری در محیط کار و زندگی، در شهرها و روستاها، بی اثر ساخت.

بکوشیم تا مبارزه سیاسی وایدئولوژیک به سلاحی برای حفظ و تأمین اتحاد نیروهای انقلابی بدل شود

چگونگی برخورد نیروهای گوناگون انقلابی به یکدیگر، بویژه در انقلاب ما و بویژه در شرایط کنونی کشور ما، از نقطه نظر مصالح انقلاب، اهمیت بسیار زیاد دارد. این اهمیت از آنجا ناشی میشود که در انقلاب ما تمام طبقات و اقشار ضد امپریالیستی و ضد استبدادی و خلقی و تمام نیروهای انقلابی، با مواضع گوناگون سیاسی و ایدئولوژیک، شرکت کرده و در پیروزی آن سهم یوده اند و در به فرجام رساندن آن نیز ذینفع و علاقمندند.

استاندار آذربایجان شرقی خیر تعریک آمیز صدای امریکا را بشدت تکذیب کرد و گفت:

«روابط ما با همسایه شمالی کاملاً حسنه است»

آقای دکتر ساروخانی اظهار داشت: «آمریکای مفرض کدشمن اصلی ماست و در حال جنگ با ما می باشد یا این تعریفها میخواهد برای ما، در کشور ناراحتی ایجاد کند».

دکتر ساروخانی استاندار آذربایجان شرقی، طی گفتگویی با خبرنگار کیهان در تبریز، خیر رادیو صدای امریکا مبنی بر نقل و انتقالات نظامی در مرز ایران و شوروی و احداث پل به روی رودخانه ارس را بشدت تکذیب کرد. وی افزود: «آمریکای مفرض یا این تعریفها میخواهد برای ما در کشور ناراحتی ایجاد کند».

امام خمینی:

مطبوعات باید از مسائل مضر به وحدت جامعه احترام بکنند

مطبوعات باید خدمت بکنند به این ملت و همان راه را در پیش گیرند که ملت داشته است

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در حضور سردبیر و اعضای تحریریه مجله «سروش» در روز ۱۳ و ۱۴ دی ۱۳۵۹، سخنانی درباره وظایف مطبوعات ایراد کردند. امام خمینی از جمله گفتند:

«مطبوعات باید خدمت بکنند به این ملت و باید همان راه را پیش بگیرند که ملت داشته است و به واسطه همان پیروز شده است. انسان مریدند که مطبوعات پسرشان این طور نیستند».

متن تلگرام پاسخ آیت الله

منتظری به تلگرام رئیس جمهور

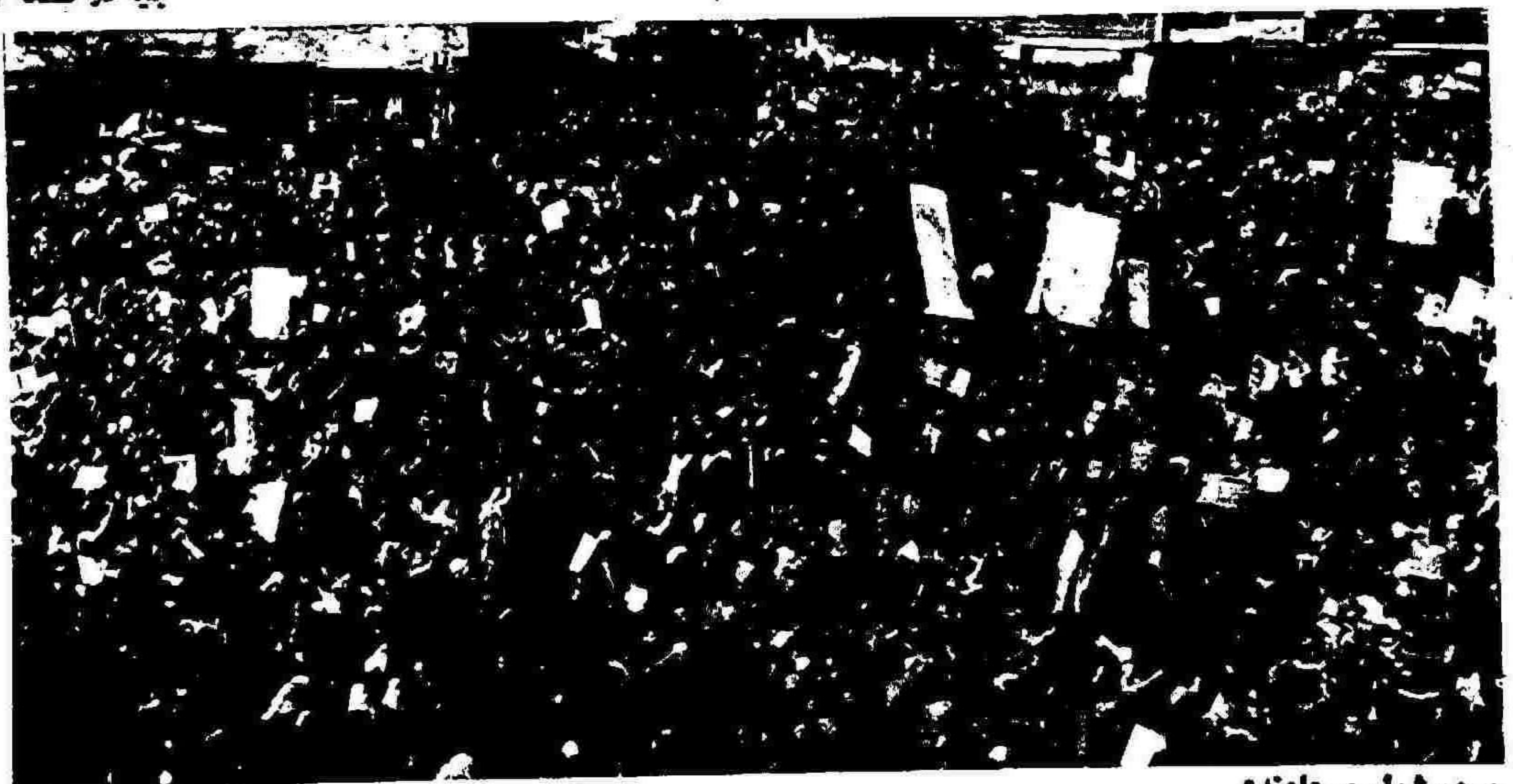
قطعنامه راهپیمایی میلیونی دیروز:

بزرگترین دشمن خود را امریکای جنایتکاری می دانیم

- * مردم در قطعنامه راهپیمایی خواهان تهاجم به نیروهای صدامی و پاک کردن کشور از لوث دشمن شدند.
- * مردم از مسئولان خواستند هر چه زودتر کابینه را تکمیل کنند.
- * نخستوزیر: استقامت خواهیم کرد و ضد انقلاب داخلی و خارجی را به گورستان خواهیم فرستاد.

مردم تهران با شعارهای مبارزه علیه دشمن اصلی، امپریالیسم امریکا، و سرکوب ضدانقلاب در یک راهپیمایی میلیونی شرکت کردند.

بقیه در صفحه ۷



مردم شعار می دادند:

« امریکا، امریکا، تنگ بنیرنگ تو، خون جوانان ما می چکد از چنگ تو»

دو نوع برخورد در برابر توطئه هفتم امپریالیسم امریکا

۱- هشیار کن

شورای عالی دفاع (در رابطه با تهاجم نظامی امریکا) فکراتی کرده و طرح هایی دارد و بوقوع عمل خواهد کرد» (حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی - مصاحبه مطبوعاتی، ۶ دی ۱۳۵۹)

«امریکا درصدد تهاجم نظامی به خلیج فارس است و برای به انشاش کشیدن منطقه دنیال بهانه میگردند» (بهراد نبوی - مصاحبه مطبوعاتی، ۹ دی ۱۳۵۹)

۲- خواب کن

«بعضی از مستدشینان که به گفته های امام ایمان ندارند، احیاناً به ترس از امریکا دچار شده اند و بدین گمان باطل اند که امریکا قادر است به ایران حمله نظامی کند... و این خیال باطلی است، زیرا امریکا قادر به حمله نظامی به ایران نیست» (میزان - ۱۳ دی ۱۳۵۹)

ضد انقلاب رشت را به آشوب و زد و خورد کشاند

صفحه ۷

۳ رفیق توده ای در تهران را آزاد کنید

صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

متن تلگرام پاسخ آیت الله منتظری به تلگرام رئیس جمهور

از سوی آیت الله منتظری، در پاسخ تلگرام آقای بنی صدر رئیس جمهوری، تلگرامی خطاب به ایشان مخابره گردید. متن این تلگرام به شرح زیر است:

جناب مستطاب آقای بنی صدر رئیس جمهور محترم ایران دامت توفیقه

پس از سلام، تلگرام شما را از تلویزیون شنیدم. چه خوب بود بیش از چنین قصاصتی، حداقل با تلفن از اینجانب تحقیق نسبت به علت نگرانی من از جریانات جبهه ها و نقض وعده های مکرر در مورد حمله بدشمن، که قبرا موجب بی اعتنائی به روحیه قوی نیروهای مسلح می شود، میکردید. فکر میکنم اگر جنابعالی بجای من بودید و هر روز با طبقات مختلف مردم و جوانان رزمنده و قداکار، از سربازان و درجه داران و افسران ارتش وسایح بسیج و مسئولان ارگانها، که معمولا ماهها در جبهه بوده و با دلی پرورد از سامحه کاریها برای گزارش جبهه ها و گلاویه و کسب تکلیف شرعی بمنزل من می آیند، تماس داشتید و هم اینان که طبعی است ادعای عدم آشنائی بمسائل جنگی و تحقیق در مورد همه آنها ناروا است، میتوانستند برای شما کفالت صحیح اطلاعات و اخبار باشند، قضاوت شما غیر از این بود و بازدید مجدد از جبهه و ملاقات با فرماندهان را ضروری نمیدانستید. بنظر من آنچه فعلا به صلاح اسلام و مسلمین می باشد، حفظ اتحاد و اطاعت از رهنمودهای قاطع رهبری و احترام به ملت و مجلس و ارزشهای الهی و طرد کامل سریع دشمن از حریم میهن اسلامی است. ما در مقابل خون جوانان عزیز و رشید اسلام و بیش از یک میلیون آواره مسلمان مسئولیتی بزرگ داریم.

اینجانب ارتش، سپاه و بسیج را برادران خود دانسته و تقویت و تأیید مادی و معنوی آنان را در هر مناسبتی وظیفه شرعی میدانم و در خطبه های نماز جمعه به آنان دعا می کنم. توفیق شما را در خدمت اسلام و جمهوری اسلامی از خدای بزرگ خواهانم. به امید هجوم نیروهای مسلح ایران و پیروزی قوای اسلام بر کفر.

والسلام علیکم

قم - حسینعلی منتظری
۱۳۰۱۰۱۳۰۵۹

روابط ما با همسایه شمالی...

بقیه از صفحه ۱

استاندار همچنین گفت: «آذربایجان شرقی آرامترین منطقه در بین استانهای کشور است و مرزهای متعلقه از آرامش کامل برخوردارند.»

استاندار آذربایجان شرقی در این مصاحبه همچنین اظهار داشت: «من در مصاحبه خود با روزنامه کیهان گفته بودم که در مرز ایران و شوروی یک مقدار از سیم خاردارها برداشته شده و چند پل فلزی نیز در منطقه بیستم میخورد که بعد از تحقیقات لازم، همانطوری که در کیهان درج شده، معلوم شد که برداشتن سیم خاردار و وجود پلها مربوط به چند سال قبل میباشد و یک مساله عادی بوده و هیچ خطری از این ناحیه متوجه ما نمی باشد.»

وی اضافه کرد: «آمریکای مغرض که دشمن اصلی ماست و در حال جنگ با ما می باشد، با این تحریفها میخواهد برای ما، در کشور ناراحتی ایجاد کند، غافل از اینکه این تحریفها اثری در ما ندارد.»

دکتر سلووخانی با اشاره به جو سیاسی موجود در منطقه گفت: «آذربایجان شرقی و تبریز آرامترین منطقه در بین استانهای کشور می باشد و در عین حال که عوامل آمریکا با شایعه پراکنی میخوانند جو سیاسی موجود شهر را برهم بزنند، ولی مردم همچنان مشغول فعالیتهای روزانه بوده و در سطح استان هیچ ناراحتی به چشم نمی خورد.»

استاندار آذربایجان شرقی در مورد مرزهای منطقه گفت: «مرزهای منطقه نیز از آرامش کامل برخوردارند و هیچگونه مشکلی در رابطه با مرزهای استان وجود ندارد.»

وی درباره نقل و انتقالات نظامی در آن سوی مرز شوروی اظهار داشت: «اگر هم بر فرض نقل و انتقالاتی در آن سوی مرز صورت بگیرد، مربوط به خود آن کشور می باشد، همچنان که شاید ما نیز در مرزهای کشور خود نقل و انتقالاتی انجام دهیم.»

دکتر سلووخانی در مورد روابط دوستی ایران و شوروی گفت: «در حال حاضر روابط ما با همسایه شمالی کاملا حسنه بوده و رابطه ترانزیتی ما با کشور شوروی برقرار می باشد، بطوری که ما مقدار زیادی از کالاهای مورد نیاز خود را از طریق آن کشور وارد می کنیم.»

(کیهان، ۱۴-۱۰-۵۹)

تصحیح

در شماره ۴۱۰ نامه «مردم» - شنبه ۱۳ دی ۱۳۵۹، در مقاله «ما به دام تحریک و نفاق افکنی نمی افتیم»، در صفحه ۳، ستون اول، سطر ۲۸ یک اشتباه چاپی

یکوشیم تا مبارزه...

بقیه از صفحه ۱

در چنین شرایطی، چگونگی برخورد نیروهای انقلابی به یکدیگر، نه علیرغم اختلافات و تفاوتها، موجود در مواضع سیاسی و ایدئولوژیک، به دستاوردهای انقلاب و تعمیق انقلاب علاقمندند، می تواند حتی در صورت انقلاب نقش مهم داشته باشد. برخورد خصومت آمیز برخی از نیروهای انقلابی به یکدیگر، توسل به دشنامدوشی، ایراد افترا و بهتان به یکدیگر، که نشانه های از عدم تحمل عقاید مخالف و انحصارطلبی سیاسی است، می تواند در صورت ناپختگی و ناآگاهی این نیروها، تفرقه بین نیروهای خلق را تشدید کند، آنها را از یکدیگر جدا سازد و بجای اتحاد عمل، آنها را در مقابل یکدیگر قرار دهد و واضح است که از چنین فضائی فقط امپریالیسم و ضدانقلاب پرورده اش سود میبرد.

در مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک، حتی با منحرفان و سازشکاران و تسلیم طلبان نیز شیوه اصولی برخورد را باید رعایت کرد.

آیت الله دکتر بهشتی در سخنرانی اخیر خود، بیش از خطبه نماز جمعه ۱۲ دیماه ۵۹، در این مورد گفت:

«اسلام به ما یاد داده درباره دشمنان هم دروغ نگویم، نسبت به دشمنان هم تهمت و افترا نزنیم، نسبت به دشمنان هم فحش ندهیم.»

این برخورد اصولی اگر با دشمنان درست است، بطریق اولی برای دوستان درست است. ولی چنین روشی متأسفانه تا بحال چندان مورد توجه و مبنای عمل برخی از نیروهای انقلابی قرار نگرفته و برای بحث درباره مسائل سیاسی و ایدئولوژیک مورد اختلاف از توسل به شیوه های غیر اصولی و زینبختن از دشمنان و افترا گرفته تا دروغ و تحریف و غیره خودداری نشده است. در مورد شیوه درست و اصولی مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک نکات زیرین درخور توجه و حائز اهمیت اند:

تخت شیوه درست و اصولی در این مبارزه، بیچوجه به مفهوم کتمان اعتقادات خویش و خودداری از انتقاد از نظریات دیگران نیست. مسئله فقط بر سر آنستکه این نظریات و اعتقادات در مقابل با نظریات و مواضع دیگر نیرو- های انقلابی، چنان مطرح گردد که به تحکیم مبارزه مشترک با امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و ضدانقلاب پرورده اش، به پیشرفت مبارزه برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یاری رساند، نه اینکه این مبارزه را تضعیف کند و به دشمن امکان دهد تا بیشترین بهره را از اختلاف میان نیروهای خلق، بسود خویش ببرد.

دوم: انتقادات و ایرادات به نظریات مخالفان باید بر اساس عین گفته ها و نوشته های آنها متکی باشد. انتساب مطالب جعلی به فلان حزب یا بهمان شخص و «درو آنها، بیشک روش درست و اصولی در مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک نیست. چنین برخوردی اگر موقتا بتواند فرد یا گروهی را، که بدان توسل می جوید، اعتبار کاذب بخشد، اولاً بدلیل

امام خمینی...

بقیه از صفحه ۱

شما همه میدانید که اگر این وحدت و یکپارچگی ملت و اگر آن علاقه ای که ملت به اسلام داشت، نبود، ما نمی توانستیم که چنین پیروزی ای که به دست آورده ایم، به دست بیاوریم. برای اینکه ما در آنوقت نه یک ارگانهای نظامی دستمان بود و نه یک تعلیمات نظامی داشتیم و نه یک اسلحه قابل ذکر، بلکه هیچ داشتیم، معذالک آن چیزی که همه حسابها را در هم کوبید، این توجه مردم به یک مطلب، سراسر ایران، از بچه کوچک تا پیر مرد، توجهشان به یک مطلب بود و آن اینکه باید آن رژیم سابق نباشد و باید اسلام باشد، جمهوری اسلامی باشد، اختلاف هم آنوقت در کار نبود.

اگر آنها هم اختلاف بعد کردند، آنوقت هم انگیزه اش را داشتند، جرات نمی کردند که در مقابل آن موجی که بود، یک چیزی بگویند و مسکن است که خیلی از آنها میخواستند خودشان را داخل جمعیت کنند، که بعدش بره برداری کنند چنانچه می بینید الان همین طور است. چه اشخاصی و چه گروهها که در این نهضت و در این کاری که مردم کردند، بسیارشان دخالت نداشتند. گروهها بعضی هاشان هیچ دخالت نداشتند، لکن خودشان را وارد کردند و دنبال این بودند که چه بشود. آیا رژیم سابق غلبه بکند تا خودشان را داخل او بکنند و یا بعدی غلبه بکند تا خودشان را داخل آن کنند. و معنی فرصت طلبی هم همین است که اشخاصی کنار بنشینند و نگاه کنند ببینند چه میشود، هرچی شد خودشان را در آن گروهی که پیروز شده است، جایزند. اینها و این گروهها وقتی دیدند نه مسئله آنطور نیست که هر کسی بیاید و هر کاری دلش می خواهد بکند، مواجه شدند با این جمعیت هایی که توجه به اسلام

آرامش انقلابی...

بقیه از صفحه ۱

خنتی ساخت، زیرا روشن است که ضدانقلاب فقط در محیط تشنج و درگیری و بسختی دیگر، با گل آلود کردن آب است که میتواند ماهی بگیرد.

اگر از اعتصاب و تحمّن خودداری شود و خواستهای مشروع و قانونی از راه مذاکره با مقامات مسئول تحقق پذیرد؛ اگر بدون اجازه مقامات مسئول هیچگونه اجتماع، تظاهر و راه پیمائی صورت نگیرد؛ اگر حفظ نظم و اجرای قانون برعهده مقامات و ارگانهای مسئول گذارده شود؛ اگر در برابر هرگونه تحریکی که برای ایجاد تشنج درگیری میشود، آرامش و خونسردی حفظ گردد؛ اگر تدابیر امنیتی جدی برای حفظ جان شخصیت های سیاسی و مذهبی و

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

یرونده سازی علیه حزب ما، با حزب توده ایران «مبارزه» کنند. ما دوران حساسی را می گذرانیم، که حفظ و تأمین اتحاد نیروهای خلق در مبارزه با امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ضرورت حیاتی دارد. بکار بستن اصول درست، انسانی، منطقی و علمی در مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک، نه فقط از نظر حفظ سلامت جو جامعه و فضای میان نیروهای انقلابی اهمیت دارد بلکه در برابر خطر فوری و جدی امپریالیسم آمریکا، اهمیت چندین باره کسب میکند.

یکوشیم تا مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک به سلاحی برای حفظ و تأمین اتحاد نیروهای انقلابی در مبارزه بر ضد امپریالیسم، بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بدل شود.

نتیجه به بی اعتبار شدن دشمنان بدهند و اقترازننده در میان مردم منجر میگردد. هیچ چیز به اندازه تکیه بر واقعیت و منطقی در استدلال و متانت و آرامش در لحن گفتار و نوشتار برای پیشبرد نظر صحیح مفید و موثر نیست.

تا آنجا که به حزب توده ایران مربوط است، حزب ما همیشه این اصول را رعایت کرده و همواره روش خود را در مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک با مخالفان، بر این اصول متکی کرده است. اما متأسفانه برخورد بسیاری از مخالفان حزب توده ایران با حزب ما، یکلی با روش درست و اصولی مغایرت داشته است. در دو ساله پس از انقلاب، خوارها دشنام و افترا و دروغ علیه حزب توده ایران، باریدن گرفته است. بسیاری تلاش کردند که حتی با

نقص نادرست و زشت عمل، موجب خصومت میان نیروها میگردد و پیوند این نیروها را، اگر در جبهه انقلاب قرار داشته باشند، تضعیف می کند و در نتیجه به انقلاب زیان میزند، و لذا در درازمدت به بی اعتبار شدن خود گسائی که بدان توسل جسته اند، منجر میگردد.

سوم: استفاده از بهتان، افترا و دشنام در مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک، اصولا مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک نیست. چنین روشی تنها به خصومت و تفاق میان نیروهای خلق دامن میزند و آنها را، آنگونه که دشمن مشترک میخواهد، علیه یکدیگر تحریک میکند. به کار بردن دشنام و افترا نشانه ضعف استدلال و عدم اعتقاد به مواضع سیاسی و ایدئولوژیک خویش است، و در

از: گس هال، دبیر کل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا

در لهستان سرانجام سوسیالیسم است که پیروز خواهد شد!



رفیق گس هال در "کنوانسیون هفدهم" حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، در تابستان ۱۳۳۸، بیست دبیرکل حزب برگزیده شد و تاکنون نیز این مقام را به عهده دارد. گس هال پیش از این یکی از بنیان گذاران "یونایتد استیل ورکرز او آمریکا"، "ای. اف. ال. سی. آی. او" و از جمله رهبران "اعتصاب کوچک فولادکاران اوهایو در سال ۱۳۱۶" بود. گس هال همچنین چند بار نامزد حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا برای مقام ریاست جمهوری بوده است.

در پیامی که برای ایجاد "صندوق کمک به کارگران لهستان" به سندیگا های عضو این سازمان فرستاد، مجبور شد که اظهارات و اقدامات رهبری "ای. اف. ال. سی. آی. او" را توجیه کند و بگوید: "ای. اف. ال. سی. آی. او" در اعتصاب کارگران لهستان به هیچ روی دست نداشته است. وی برای استتار هدف های ضد سوسیالیستی پیام خود، مجبور شد بگوید که، نیت او حمله به نظام سوسیالیستی لهستان نیست: "تقصیر ما این نیست که به نظام اقتصادی هیچ کشوری، از جمله لهستان، حمله کنیم، به مقابله با آن بپردازیم و یا آن را زیر علامت سؤال قرار دهیم. حال می خواهد این کشور سرمایه داری، سوسیالیستی و یا هر چیز دیگر باشد. "ای. اف. ال. سی. آی. او" بر سر این دعوا ندارد... که مالکیت ابزار تولید در دست کیست. به نظر ما این امر کاملاً بی ربط است".

کیرکلند ادعا دارد که تنها هدف او "اتحادی کردن نظام منظور خدمت به امر صلح... تنش زدایی... و مناسبات سازنده میان ملت ها" است! اگر چنین است، پس چرا رهبری "ای. اف. ال. سی. آی. او" هیچگاه از هیچ اعتصابی در کشورهای سرمایه داری، از جمله، در ایالات متحده پشتیبانی نکرده است؟ رهبران با سرده چرا برای کارگران اعتصابی آفریقای جنوبی و شیلی صندوق کمک دایر نکرده اند؟ حتی در کشور خود ما راها اتفاق افتاده است که کارگران به اعتصاب های طولانی مجبور گردیده اند بدون آنکه از طرف سدیگا به آنها کمک شود. لاین کیرکلند، که همیشه یکی از هواداران سرخست گسترش بودجه نظامی، تولید تسلیحاتی و برتری نظامی بر اتحاد شوروی بوده است، از کی تا بحال قهرمان "صلح تنش زدایی و مناسبات سازنده میان ملت ها" گشته است؟ پشتیبانی از سیاست های تجاوزکارانه امپریالیسم ایالات متحده نمی تواند به مناسبات سازنده میان ملت ها بیانجامد.

حقیقت آنست که سرمایه انحصاری و عوامل آنها در میان کارگران، از هر مسئله ای، هر کمبودی و هراسناکی برای مقابله با نظام اجتماعی-اقتصادی لهستان، یعنی پایه سیاسی و اجتماعی جامعه لهستان، استفاده خواهند جست.

حقیقت را نادیده بیانگاریم که رهبران سندیگاها چه بسا که از طرق غیر دمکراتیک برگزیده می شدند. اما در عین حال باید تصریح کنیم که همه تبلیغات، بهتان ها و تحریفات رسانه های گروهی، محافل انحصاری و ایدئولوگ های شان و رهبری "ای. اف. ال. سی. آی. او" نمی تواند ما را به نفی نقش مترقی سندیگا های لهستان وادارد.

مقایسه سدیگاها و حقوق سندیگایی در کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری پس دشوار است، زیرا که کارگران آمریکایی حتی در رویا نیز نمی توانند به وسعت حقوق اجتماعی کارگران در کشورهای سوسیالیستی بی برند. آنها حتی تصور این را نمی توانند بکنند که قانون پاسدار حقوق آنها باشد.

همان گونه که می دانیم، کارگران در ایالات متحده مجبورند که برای جزئی ترین امتیازات، بهبود شرایط کار و زندگی و افزایش دستمزد با شرکت های انحصاری به جنگ بیاخیزند.

کارگران آمریکایی حتی نمی توانند تصور آن را بکنند که در عین اعتصاب، مانند کارگران لهستان، دستمزد کامل خود را دریافت دارند. کارگران ایالات متحده با محدودیتها و موانع بی شمار، از جمله قانون های "تفتیش هارتلی" و "لندراگرفین" و غیره، در زمینه حق تشکله و اعتصاب مواجه هستند.

پشتیبانی محافل انحصاری، کارتر، ریگان و رهبران پلندپایه سندیگایی را چیزی جز قله ریاکاری نمی توان نام نهاد. اینان تاکنون حتی یکبار از اعتصابی در ایالات متحده و یا دیگر کشورهای سرمایه داری هواداری نکرده اند. اما هنگامی که اعتصابات نادری در کشورهای سوسیالیستی رخ می دهد، عناصر نامبرده نخستین کسانی هستند که برجم اعتصاب را برمی افزایند!

نیروهای ضد سوسیالیستی انگیزه های واقعی خود را با لفاظی های ریاکارانه درباره حقوق انسانی و سدیگایی کارگران لهستانی مستتر می دارند. جالب است که حتی ارتجاعی ترین نیروها ضرور می دانند که هدف های ضد سوسیالیستی خویش را پنهان دارند. آنها، بدین سان، مترقند که انتقاد آشکار از سوسیالیسم با استقبال کارگران لهستانی روبرو نخواهد شد. حتی لاین کیرکلند، رئیس "ای. اف. ال. سی. آی. او"،

عادی اعتصاب ضرورتی ندارد، چون کارگران و مدیریت در یکسو قرار دارند. وسائل تولید در مالکیت همگانی است و به همه کارگران و مردم تعلق دارد. هدف تولید، رفاه همگانی است. نه شرکت خصوصی وجود دارد و نه سود خصوصی. میان مدیریت و کارگران تضادی نیست. هر سود و ثروتی در راه افزایش سطح زندگی و تامین خواسته های فرهنگی و معنوی همگان بکار می رود.

بنابراین، کارگران در صورت توسل به اعتصاب، در واقع علیه خود و منافع خود اعتصاب می کنند و مذاکره درباره راه حل، مذاکره میان دو طرف متخاصم نیست. بلکه بحثی است درباره مسائل، منافع و مصالح متقابل و، در نتیجه، راه حل های متقابل.

رخداد اعتصاب یا به علت سوء مدیریت است و یا نبود آگاهی سوسیالیستی کارگران. در مورد لهستان هر دو دلیل را باید در نظر گرفت.

آنچه که وضع را انفجاری تر کرد، نبود تماس و ارتباط با کارگران از سوی افرادی در مدیریت، حزب و رهبری سدیگاها بود. این عدم ارتباط سبب شد که به موقع تدابیر اصلاحی برای پیش گیری از انفجار به عمل نیامد. مدت ها بود که تشنج و ناخشنودی انباشته می شد و کارگران درست یا غلط، دچار این احساس گردیدند که چاره ای جز دست یازی به روش های خشونت بار و چشمگیر برای جلب توجه به خواسته های شان ندارند.

به خواست کارگران درباره سدیگا های مستقل باید از نقطه نظر یاس و بی اعتمادی آنها نسبت به سدیگا های موجود، و رهبران آنها گریست. همچنین باید به یاد آورد که کارگران خواستار سدیگایی مستقل از جامعه سوسیالیستی نبودند. این واقعیت دارای اهمیت فوق العاده است که اعتصابیون و رهبران شان صریحاً اعلام داشتند که علیه سرشت و پایه حکومت سوسیالیستی دست به اعتصاب زده اند. آنها هیچگاه به انکار نقش رهبری حزب متحد کارگری لهستان نپرداختند، بلکه تقاضا دارند که در چارچوب لهستان سوسیالیستی به خواسته های شان رسیدگی شود.

این واقعیتی است که باید، علیرغم هیاهو و فعالیت عناصر ضد سوسیالیستی داخلی و خارجی، تصریح گردد. فعالیت های ضد سوسیالیستی، از جمله خرابکاری های "سیا" و نیروهای ضد انقلابی سراسر جهان بویژه در آلمان غربی، را دربر می گرفت.

«دوستان»

ریا کار لهستان

این نیروهای ارتجاعی دارای استراتژی درازمدت برای ثبات زدایی در جهان سوسیالیسم و بیرون راندن یک یک کشورهای سوسیالیستی از مدار سوسیالیسم است. آنها نه لهستان را از یاد برده اند و نه دیگر کشورهای سوسیالیستی را، اما فکر می کنند که یک یا لای در لهستان گذاشته اند. از اینروست که تلاش های ضد انقلابی و خرابکارانه آنها ادامه خواهد یافت و احتمالاً از این نیز بالاتر خواهد رفت.

این به معنای آن نیست که منکر کاستی های واقعی و اشتباهات جدی رهبری لهستان، بویژه رهبری سدیگایی، باشیم و یا آن که این

هنگام شکست نازیها و تار و مار آنها از سوی ارتش شوروی، از صنایع، شهرها و شهرکها، روستاها، بیمارستانها، مزارع و دامهای لهستان جزویرانه ای باقی نمانده بود. پس از جنگ، مردم لهستان - منهای میلیون ها تن که از سوی نازیها به هلاکت رسیده، یا مته شده بودند - قهرمانانه و قاطعانه، بازسازی کشور خود را برپایه سوسیالیسم آغاز کردند. آنها به ساختن جامعه سوسیالیستی مدرن، در کشوری که عقب افتادگی، وابستگی مانده و بازمانده های فئودالیسم را از سرمایه داری به ارث برده بود، همت گماشتند.

مردم لهستان، با وجود محدودیت منابع طبیعی و در حالی که بار سنگین ویرانه های جنگ را به دوش می کشیدند - با کمک وسیع اتحاد شوروی - در مدت کوتاه ۳۶ سال موفق شدند که جامعه سوسیالیستی پیشرفته ای را بنانند. امروزه لهستان کشور بیست مدرن و دارای پایه مادی قوی پس بارآور. این کشور اکنون از اغلب کشورهای کهن سرمایه داری از نظر تولید و کیفیت عمومی زندگی پیشی گرفته است. در لهستان، شهرها و شهرک های مدرن، مجتمع های عظیم مسکونی و صنعتی، مدارس، بیمارستان ها، جاده ها، پل ها و سدهای فراوان ساخته شده است. این کشور دارای شبکه مدرن نیروگاهها و ترابری است.

مسائل و کاستی های لهستان امروز را - مانند همه کشورهای سوسیالیستی - در این واقعیت باید دید که سوسیالیسم پیشرفته هنوز به مرحله غائی خود نرسیده است. این نظام اجتماعی هنوز در حال توسعه است. در روند ساختمان هر نظام اجتماعی - اقتصادی، عناصری از آزمایش و اشتباه موجود است.

از سوی دیگر، سوسیالیسم در لهستان دارای ویژگی های خویش، از جمله، کاستی های خویش، است. سوسیالیسم در لهستان هنوز با مسائلی دشوار روبروست. برای نمونه می توان از تعاونی کردن لهستان نام برد. این کشور همچنین باید مسئله مناسبات حکومت با کلیسا را حل کند. لهستان با مسائل خاصی در زمینه رشد آگاهی سوسیالیستی مواجه است.

ما بعداً به تفصیل به بررسی این مسائل خواهیم پرداخت. بنابراین، با آنکه در حال حاضر یک ارزیابی انتقادی مناسب و ضرور بنظر می رسد، باید مراقب بود که گاهی اوقات انتقاد از کاستی های معین، بر روی دستاوردهای ستروک و سرش ناپذیر برده می کشد. اگر چنین چیزی را اجازه دهیم، به دشمنان سوسیالیسم، دشمنان لهستان سوسیالیستی، کمک کرده ایم.

اعتصاب علیه که؟

بهنگام بررسی اعتصابات لهستان، باید بخاطر داشت که، با آنکه شماره اعتصاب کنندگان زیاد بود و خود اعتصابات مسائل جدی را باعث شد، اکثریت بزرگ ۱۵ میلیون کارگر لهستانی به اعتصابیون سوسیالیستی نیستند. این واقعیت که اکثریت کارگران لهستانی به سرکار خود رفتند، زبان های اقتصادی را بی محدود ساخت و به نگه داشتن صلح داخلی کمک کرد.

باید توجه داشت که هر اعتصابی در جامعه سوسیالیستی در واقع نوعی تضاد است، در شرایط

در آغاز سخن میل دارم یادآور شوم که همه ما از دور شاهد رویدادهای لهستان هستیم و این ممکن است که داوری های ما رادرباره تحولات لهستان تحت تاثیر قرار دهد. از آنجا که تجربه و مسئولیت ساختمان سوسیالیسم را نداشته ایم، ملاحظاتی ما را باید ملاحظاتی جانبگیرانه از بیرون گود تلقی کرد. بررسی این تحولات از آن جهت ضرور و مهم بنظر می رسد که، سرمایه داری ایالات متحده و سرمایه داری جهانی، بگونه ای بی سابقه به بهره برداری از آنها دست باز کرده اند. رویدادهای اخیر لهستان توجه همه نیروهای ضد سوسیالیستی ایالات متحده و، در نتیجه، سراسر جهان را بخود جلب کرده است.

عناصر ارتجاعی و ضد سوسیالیستی برای آنکه تحولات لهستان را بعنوان مدرکی برای بی هوادگی سوسیالیسم ارائه دهند، به اضافه کار دست زده اند. آنان برای آنکه "ثابت" کنند، که نظام سوسیالیستی در لهستان یا شکست مواجه شده است، دشواری های موجود این کشور را مستسک قرار داده اند و برای پیشبرد این هدف، از هرگونه تاکتیک، هر شکل "دروغ بزرگ" و هر فرصت برای اشاعه بهتان های خود بهره می جویند.

چارچوب تاریخی

علت توجه ما به رویدادهای لهستان کاملاً معکوس است. ما می دانیم که حقیقت و واقعیت حاکی از آنست که مسئله را نباید در خود نظام سوسیالیستی جستجو کرد. برعکس، این مسائل از برخی خطاها و نقاط ضعف رهبری ناشی می شود، که به معنایی، با اصول تحول سوسیالیستی مابینت دارد. نقاط ضعف و اشتباهات اجتناب پذیر رهبری لهستان را نباید به پای سوسیالیسم گذاشت، بلکه آن ها را باید فرآورده شرایطی همتای ساختمان سوسیالیسم در لهستان دانست.

برای درک رویدادهای لهستان نخست باید آن ها را در چارچوب تاریخی درخور آن ها قرار داد. در هیچ جامعه ای نمی توان کیفیت زندگی را جدا از حقوق بنیادی افراد آن جامعه سنجید.

در لهستان، از بیکاری انبوهی نیست. هر شهروند لهستانی، سه موجب قانون اساسی آن کشور، حق دارد که کار دلخواه خود را برگزید و هیچگاه این بیم را بدین راه نمی دهد که روزی بیکار شود. در لهستان، زحمتگشان در ازای کار برابر دستمزد برابر می ستانند و از فرصت برابر بهره مند می گردند. این تنها یکی از نتایج نابودی نژادپرستی، بویژه ضد یهودیت، در لهستان ماقبل سوسیالیستی است.

همه شهروندان لهستان از حق بازنشستگی و معلولی بهره مند می شوند. مردان در سن ۶۰ سالگی و زنان در سن ۵۵ سالگی بازنشست می گردند.

همه لهستانی ها از حق آموزش و بهداشت رایگان بهره می برند. همه شهروندان لهستان از حق مسکن برخوردارند و تنها در حدود ۵ درصد درآمد خود را مصروف کرایه خانه می سازند. در اینجا نه از گرسنگی خبری است، نه از فقر و نه از محلات زاغه نشین.

برای درک اهمیت این پدیده ها باید به یاد آورد که لهستان یکی از کشورهای بود که در جریان جنگ دوم جهانی تقریباً نابود شد. بعد

نبرد کارگران و زحمتکشان ایران علیه تجاوز امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام تا پیروزی نهائی ادامه دارد



جمله کارگران هر ماه یک روز حقوق خود را به جبهه جنگ اختصاص داده‌اند.

کارگران بمخاطب این که آمادگی رزمی داشته باشند، آموزش اسلحه می‌بینند.

تعدادی از کارگران منقضی خدمت سال ۵۶ و عده‌ای نیز داوطلبانه به جبهه رفته‌اند. تا علیه تجاوزگران صدامی بجنگند. آن‌ها با هوشیاری آماده خشتی کردن تمام توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و دیگر دشمنان انقلاب هستند.

سمنان

کارگران نساجی سمنان با تمام وجود، آماده دفاع از وطن عزیز خود هستند. آنها می‌دانند که امروز امپریالیسم آمریکا بوسیله رژیم جنایتکار صدام به خاک منهن تجاوز کرده است، تا انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را نابود سازد. کارگران نساجی سمنان که در گذشته با سرسختی و فداکاری علیه رژیم دیکتاتوری پهلوی مبارزه کرده‌اند، امروز نیز با تمام قدرت از انقلاب خود دفاع می‌کنند. از

قم

کارگران کارخانه نج استریج قم تاکنون حدود سصد هزار ریال برای کمک به جبهه فرستاده‌اند. آنها نیز آموزش‌های نظامی را در کارخانه دیده‌اند و تا به حال چند تن از آنان به جبهه‌های جنگ اعزام شده‌اند. کارگران این کارخانه طی نامه‌ای اعلام کرده‌اند که:

"ما آمادگی خود را برای دفاع از دستاوردهای انقلاب - در مقابل آمریکای جهان‌خوار - تحت رهبری امام خمینی تا پیروزی انقلاب اعلام می‌کنیم و آمادهایم تا پای جان در این راه کوشش و ایثار کنیم."

همچنین کانون اسلامی کارگران قم، کارخانه گارتن کار قم و دیگر کارخانه‌های قم همگی آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب اعلام کرده‌اند.

قائم‌شهر

کارگران کارخانه نساجی مازندران شماره ۳، هنگام دریافت سهمیه برنج سه ماهه دوم، هریک قسمتی از سهمیه خود را به جبهه‌های جنگ اختصاص داده‌اند. کارگران همچنین مبلغ پنجاه و پنج هزار و پانصد ریال وجه نقد و نیز هفتاد عدد کپسه خالی جهت ساختن سنگر جمع‌آوری کرده و به جبهه‌های جنگ ارسال کرده‌اند. ناگفته نماند که کارگران موفق شده‌اند با فعالیت بیشتر، سطح تولید را به میزان قابل توجهی افزایش دهند.

می‌رسانند، تا هرچه سریع‌تر دست متجاوزین به‌میهن و انقلاب را قطع کند. علاوه بر کارگران خوزستانی، کارگران و زحمتکشان دیگر نقاط کشور نیز هریک به نحوی به جبهه‌های یاری می‌رسانند. این است مشتاقان خروار:

اصفهان

کارکنان شرکت سایبر در اصفهان به‌خاطر دفاع از دستاوردهای انقلاب و پشتیبانی کامل از خط امام خمینی و کک‌رسانی به مناطق جنگ‌گزیده، مبلغ ۱۱۸۹۶۱۴ ریال به بانک ملی ایران واریز کرده‌اند. آنها در نامه‌ای به همین منظور نوشته‌اند که: "ما این کمک مالی را در اختیار برادران و خواهرانی که بی‌خانمان شده‌اند و همچنین کسانی که جان بر کف، در سنگر مقدس میهن، شبانه‌روز پوزه قوای دشمن تجاوزکار را به خاک می‌مالند، قرار می‌دهیم."

تهران

تاکنون عده‌ای از کارگران شرکت برق منطقه‌ای تهران، در چند نوبت، برای نبرد حق و باطل به جبهه‌های جنگ اعزام شده‌اند. همچنین عده‌یاری برای رفتن به جبهه جنگ نام‌نویسی کرده‌اند، ولی مسئولین امر هربار با اعزام پنج تا شش نفر از آنها موافقت می‌کنند. مسئولین شرکت برق منطقه‌ای معتقدند که چون داوطلبان بیشتر کارگران فنی هستند، نمی‌توان در یک نوبت همه آنها را به جبهه اعزام داشت، زیرا در کارها وقفه ایجاد می‌شود.

این بار دست امپریالیسم آمریکا از آستین صدام جانی بیرون آمده است. صدام می‌کوشد تا بهشت از دست رفته را دوباره به آمریکا بازگرداند و خود نیز از این بابت فیضی ببرد. صدام گستاخانه دست به یک عمل تهاجمی زده و قسمتی از خاک وطن عزیز ما را توسط نیروهای تحت فرمانش به اشغال درآورده است، تا به گمبان خود و حامیان امپریالیستی - صهیونیستی، از رشد سالم جمهوری نوپای ما جلو بگذرد. اما مردم قهرمان ودلیسر ایران، - خاصه کارگران و زحمتکشان انقلابی، با مشت‌های گره‌کرده خود، متحدانه به دهان شیطان بزرگ و شیطان کوچک می‌کوبند.

کارگران و زحمتکشان ایران هر یک به‌نوبه خود و به اشکال گوناگون در این نبرد عادلانه شرکت جستند.

کارگران خوزستانی، این مرزبانان همیشه بیدار، علی‌رغم تمام مشکلات و گرفتاری‌هایی که گریبانگیر آن‌ها است، داوطلبانه سلاح به دست گرفته و دوش به دوش دیگر رزمندگان انقلاب، به جبهه‌های جنگ رفته‌اند. عده‌ای در حمل و نقل و توزیع مهمات و آذوقه به جبهه‌ها اعزام می‌شوند، عده‌ای به تهیه پخت و پز غذا اشتغال دارند، عده‌ای نیز در شهر جان‌پناه بتونی می‌سازند، گروهی دیگر هم به یاری نهادهای مردمی و انقلابی شتافته‌اند. آنها هریک، به‌نحوی از انحاء، شجاعانه و بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی، با از خودگذشتگی بی‌شائبه‌ای، به جبهه‌های یاری

تاکسیرانان سندج عناصر ضدانقلاب را از سندیکا طرد می‌کنند

تاکسیرانان سندج در چند گردهمایی اخیر خود تصمیم‌هایی برای بهبود وضع سندیکای خود و طرد ضدانقلاب گرفتند. سندیکای تاکسیرانان سندج، که دارای ۱۷۰ اعضا است، پیش از انقلاب تشکیل شد. تاکسیرانان در چند گردهمایی که داشتند، تصمیم‌هایی برای انتخاب هیئت مدیره جدید گرفتند. همچنین برای اخذ کمک مالی جهت تشکیل فروشگاه تعاونی مصرف تعاونی لوازم یدکی واحداث تعمیرگاه تاکسی، تماس‌هایی با استاندارکردستان گرفتند. البته این طرح بخاطر شرایط اضطراری فعلی به تعویق افتاده است. از کارهای مهم سندیکا، واگذا رکردن شماره‌های جدید تاکسی به افراد واجد شرایط است. سندیکا موا ر دزیرین وظایف خود میداند:

- ۱- طرد عناصر فاسد و ضدانقلاب از هیئت مدیره و صنف تاکسیرانان.
- ۲- انجام انتخابات جدید برای برگزیدن هیئت مدیره فعال و انقلابی.
- ۳- تشکیل تعاونی مصرف، فروشگاه لوازم یدکی و واحداث تعمیرگاه تاکسی برای کوتاه کردن دست واسطه‌ها و عناصر سوجو.
- ۴- اقدام‌های سندیکای تاکسیرانان سندج برای طرد عناصر فاسد و ضدانقلاب و برگزیدن هیئت مدیره انقلابی امری است مثبت و قابل توجه که می‌تواند الگویی برای دیگر زحمتکشان کردستان باشد. تا بتوانند با طرد عناصر ضدانقلاب، انقلاب و دستاوردهای آن را تحکیم بخشند و بسهم خویش زمینه مناسب را برای بدست آوردن حق خودگردانی و تامین صلح در کردستان ایجاد کنند.

کارگران کارخانه کاشی سعدی معتقدند:

باید در سنگر کارخانه، تولید را هر چه بیشتر بالا ببرند، تا آمریکای جهان‌خوار را شکست دهند

می‌کنند و هر روز غذای گرم در اختیار کارگران قرار می‌گیرد.

نحوه فروش

یکی از اقدامات مدیریت کارخانه، که کارگران از آن پشتیبانی کرده‌اند، این است که شرکت راسا دست‌به‌یجاد فروشگاه‌هایی برای فروش مستقیم کاشی به مصرف‌کنندگان زده‌است، تا از این راه بازاریاسه را بشکند و مانع از اجحاف به مصرف‌کنندگان شود.

سایر اقدامات

از زمان پیروزی انقلاب و خصوصاً بعد از ملی شدن کارخانه، کارگران و متخصصین کارخانه اقداماتی جهت خود کفایی و بی‌نیازی از کشورهای امپریالیستی آغاز کرده‌اند و تاکنون به موفقیت‌هایی هم دست یافته‌اند. به عنوان نمونه: یکی از وسایل ضروری و بسیار مورد نیاز برای ساختن کاشی، وسیله‌ای است بنام "گاست"، که از خاک نسوز تهیه می‌شود و قبل از انقلاب به بهای گزاف هر عدد حدود پانصد ریال از خارج وارد می‌شد و دائماً می‌شکست. اکنون این وسیله در کارخانه با بهایی ارزان و جنس بادوام تهیه و مصرف می‌شود. برای ساختن رنگ و لعاب نیز اقداماتی در دست اجراست.

ناگفته نماند که بیش از چهل نفر از کارگران کارخانه به‌جبهه جنگ اعزام شده‌اند. کارگران کارخانه کاشی سعدی همگی معتقدند که بایستی در سنگر کارخانه، تولید را هر چه بیشتر بالا ببرند، تا آمریکای جهان‌خوار را شکست دهند.

پیروزی‌های کارگران پر شور و انقلابی کاشی سعدی در مبارزه‌مخستگی‌ناپذیر بخاطر دفاع از انقلاب و بر ضد شیطان بزرگ - آمریکا و عمال آن، نمونه‌ای از نتایج مبارزه آگاهانه طبقه کارگر ایران است.

"شورای اسلامی کارگران کاشی سعدی" فعالیت علنی و رسمی خود را آغاز کرد. پس از چندین، شورا ملی کردن کارخانه را در دستور روز خود قرار داد و در این مورد دست‌به‌تلاش‌خستگی‌ناپذیری زد. کارفرما، که با این عمل کارگران سخت مخالف بود، علیه کارگران مبارز دست به توطئه زد، به این ترتیب که برای بدنام کردن کارگران، به انواع حیله‌ها متوسل شد و کارگران فعال کارخانه را "کمونیست"، "ملحد"، "متناقض" و غیره نامید. کارفرما حتی بارها از کارگران به کمیته انقلاب اسلامی شهرری شکایت برد. ولی کارگران چون نمایندگان خود را به خوبی می‌شناختند، گول شعبده‌بازیهای او را نخوردند.

دولت "گام به‌گام" لیب‌رال‌ها، با این‌که قانون ملی کردن شرکت‌ها در تیرماه ۱۳۵۸ به‌موجب شورای انقلاب رسیده بود، از ملی کردن کارخانه کاشی سعدی امتناع ورزید. شورای کارخانه بالاخره با تلاش بسیار توانست در دیماه ۱۳۵۸ ملی کردن کارخانه را به دولت موقت بقبولاند.

پس از چندین کارگران متوجه شدند که مدیرعامل انتصابی کارخانه سعی در تضعیف شورا دارد. او اعضای شورا را به "متناقض" و "کمونیست" تقسیم کرده بود. گفتار و کردار او هر دو مغایر با شورا و اهداف انقلاب بود. به این جهت شورا خواستار برکناری مدیرعامل شد. سرانجام در خردادماه ۵۹، مدیرعامل برکنار شد و به این ترتیب کارگران به پیروزی بزرگی نائل شدند.

امکانات رفاهی

کارگران هر سال دو بار لباس‌کار دریافت می‌کنند و یک بار هم تاج‌حال کفش ایمنی دریافت کرده‌اند. کارگران همچنین از سلف سرویس کارخانه استفاده

کارخانه کاشی سعدی، در اواخر سال ۱۳۴۰، توسط برادران کاشانی اخوان در نزدیکی تهران تأسیس شد. تولید اصلی کارخانه، کاشی دیواری و کاشی کف است و در کنار آن ظروف سرمایی نیز تولید می‌کند.

ظرفیت تولید کارخانه بین هفتصد تا هشتصد هزار عدد کاشی در روز است. در شرایط کنونی تولید روزانه به پانصد هزار عدد در روز تقلیل یافته است.

تعداد کارکنان

جموع کارگران و کارمندان کارخانه حدود هزار و سیصد نفرند، که عده‌ای از آن‌ها در دفتر مرکزی شرکت در تهران کار می‌کنند. حدود صد نفر از کارگران کارخانه زن هستند و حتی یکی از کارگران زن چنان‌کاری و فعال است، که یکی از سالن‌های تولید را بنام وی "کشورخانم" نام نهاده‌اند.

سوابق مبارزاتی کارخانه

کارگران کاشی سعدی سوابق مبارزاتی پر باری از سالیان گذشته با خود به همراه دارند. در اوایل سال ۱۳۵۰، کارگران دست‌به‌یجاد سندیکای خود زدند. کارفرما از مسئولین سندیکا خواسته بود که با او همکاری کنند، ولی چون این خواست او مورد قبول اعضای سندیکا قرار نگرفت، تعداد شصت نفر از فعالین سندیکا از کارخانه اخراج شدند. این عمل کارفرما با مقاومت کارگران روبرو شد و او مجبور به پذیرش عده‌ای از آن‌ها شد، لیکن از این بابت لطامات مادی بسیاری نصیب کارگران مبارز شد.

در کارخانه کاشی سعدی، از زمان اوج‌گیری انقلاب، نطفه‌های تشکل کارگران بسته شد و در طول اعتصاب‌های سراسری کارگران، کاملاً شکل گرفت. در اولین روزهای پس از پیروزی انقلاب،

کارگران مبارز ایران!

در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر

با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

توجه به دهات و کشاورزی استان خوزستان اهمیت اقتصادی و سیاسی دارد

نفر تشکیل می شود و تا به حال توانسته است با کمیته ارتاق شهر رابطه برقرار کند و به علاوه در صدد است که برای دفاع از حقوق غصب شده دهقانان این روستا اقدام کند.

در ارتباط با جنگ تحمیلی رژیم صدام، یکی از روستائیان به نام نور محمد می گفت:

«با وجودی که زن و بچه دارم و فقط با چند گوسفند زندگی را می گذرانم، حاضرم برای دفاع از میهن و نابودی آمریکا به جبهه بروم»

در این سه قریه، که منطقه زراعی موسوم به قلعه رئیس تقی را تشکیل می دهند (جمعاً ۵۴ خیش) قبلاً بزرگ مالکی حاکم بوده است، ولی هم اکنون زمینها به سه دسته

۱۸ خیشی تقسیم می شود، که به هر دسته اصطلاحاً یک کتبی می گویند. حداکثر زمین متعلق به یک نفر از اهالی بهبهانی است (۶۰ خیش) و یک کشاورز شهری دیگر که ۴ خیش دارد.

در اثر اصلاحات ارضی کذایی رژیم گذشته، عده ای از کشاورزان این منطقه بی زمین مانده یا کم زمین (کمتر از یک خیش) مانده اند، که اکثریت اهالی اند.

زمینهای منطقه تماماً آبی است که سابقاً با لارویی قناتها بوسیله خود روستائیان، آب به مقدار کافی زمین می رسید و انواع محصولات می کاشته اند. ولی پس از اصلاحات ساهانه! و عدم کمک دولت طاغوت در امر باسازی قنات و تضمین خرید محصولات آنها، اغلب دهقانان زمینها را رها کرده و برای یافتن کار به گویت رفته اند.

پس از پیروزی انقلاب، در سال گذشته، به کمک جهاد سازندگی قنات و جوی آنرا لارویی کردند، ولی به علت نزدیک بودن به کنارهای رودخانه، سیلاب آنرا خراب کرد و قسمت عظیم آنرا آب برد.

اساس به کمک جهاد سازندگی و فرمانداری نهر جدیدی به فاصله دورتری از رودخانه برای آنها تهیه می شود، که در حال حاضر مشغول آن هستند و هم اکنون یک لودر و یک بیل اطلس با عده ای از کشاورزان که نوبتی در آن کار می کنند، احداث نهر جدید را ادامه می دهند.

متأسفانه تعبیه درب آهنی و سیمان کاری، به علت دیر شروع کردن، اسال به پایان نمی رسد، چون موقع کشت پاییزه رو به اتمام است، یکی از کشاورزان می گفت: «ما نمی توانیم با دلگرمی کار کنیم. چرا من که کمتر از یک خیش زراعتی دارم این همه روی این جوی کار کنم. بعداً استفاده اش را کسی دیگری ببرد که ۶ خیش دارد. اگر حق ما را بدهند خودمان می توانیم قنات و جوی را درست کنیم و به کشت و کار بپردازیم و آنوقت خیلی هم خوب آب به زمین خواهد رسید»

روستائیان از مسئولین جمهوری اسلامی انتظار دارند که اصلاحات ارضی عادلانه انجام گیرد، با توجه به سوابق و سنتها، کشت و شتاع و شکل تعاونی کار تشویق شود و حقوق حقه دهقانان به آنها داده شود.

به علاوه با تضمین و تعیین عادلانه نرخ خرید محصولات و کمکهای فنی، آنها را دلگرم و امیدوار سازند.

لشکر تجاوزکار رژیم جنایتکار صدام استان خوزستان را هدف حملات خود قرار داده است. دهات بسیاری ویران شده و دهات دیگری از سکنه خالی گردیده است. برخی دهات پذیرای هموطنان آواره خود شده اند، که از دهات جنگزده آمده اند. در شرایط مقاومت علیه توطئه آمریکا و برای سرکوب همه سیاسی کنونی و آینده آن، اهمیت اقتصادی و سیاسی زیادی دارد که دهات خوزستان نوسازی شوند، از ثمرات انقلاب بهره مند گردند و اقتصاد کشاورزی روستاهای استان پایگیرد، احیا و شکوفان شود.

از این نظر شناخت وضع این روستاها و درک مسائل و مشکلات آنها برای همه جانبداران خط امام و نهادهای انقلابی ضرورت است. گزارشی را که از قلعه رئیس تقی، واقع در شهرستان بهبهان رسیده، در شمارهٔ امروز نامهٔ "مردم" چاپ می کنیم:

زمینهای زراعی این منطقه زراعتی ۵۴ خیش است (هرخیش معادل ۸۰۰ کیلوگرم کتبی تخم انداز). روستائیان سه قریه رئیس تقی، چهار آسیاب و خارستان در این زمینها کار می کنند. زمینها از آب ببرکت رودخانه مارون مشروب می شوند. مسیرو قنات و جوی آب از کنار روستای خارستان می گذرد و سپس به قریه رئیس تقی و بالاخره به چهار آسیاب می رسد.

وضع هر یک از این دهات به قرار زیرین است:

روستای خارستان: مرکب از دو قسمت به اسمی خارستان علیا و خارستان سفلی و جمعیت آن حدود ۳۰ خانوار است، که اخیراً دو خانواده از مناطق جنگزده به آنها اضافه شده اند.

ده فاقد آب لوله کشی، برق، حمام و درمانگاه است. ولی یک دبستان ۵ کلاسه با ۳۰ دانش آموز دارد.

دهقانانی که کمتر از یک خیش دارند، در فقر زندگی می کنند. این ده دارای ۴ باغ خرما است، که مجموعاً ۸۰۰ اصله خرما دارد و متعلق به اهالی ده است. حدود ۸ نفر از روستا خیش و زراعت خود را رها کرده و یا در شهر سگی گریه مانده و روزمزدی کار می کنند، یا این که در حاشیه رودخانه، ماسه برای ماشینهای کمپرسی جمع می کنند، که مزد ناچیزی می گیرند.

اینها زمینهای خود را به افراد بی زمین اجاره می دهند. یکی از دهقانان ابراز عقیده می کرد که:

«آن تعداد از کشاورزان که در شهر هستند و کسب و کار ثابت دارند، زمینهایشان را به جوانان بی زمین و کم زمین ده بدهند که مجبورند به کارهای غیر زراعتی، مثل ماسه بار کردن بپردازند»

دامداری در این قریه وجود ندارد. فقط هر خانواده دو سه گاو دارد، که مقداری از هزینه زندگی خود را با پرورش آن به دست می آورند.

ده دارای یک شوره ای ۵ نغره است، که با نظارت سپاه پاسداران و با انتخاب آزاد اهالی ده ایجاد گردیده (۳ نفر از اهالی خارستان سفلی و ۲ نفر از خارستان علیا)، ولی متأسفانه شورا هنوز درست به وظایف خود آشنا نیست و از همین رو فعالیت قابل توجهی ندارد، اما شورا توانست است با کمیته ارتاق بهبهان ارتباط برقرار کند و مقداری از ارتاق و مایحتاج روستائیان را تهیه کند. به کمک روحانیت مبارز و جهاد و اداره کشاورزی و فرمانداری، برای یک خانواده خوشنشین این روستا خانهای در ده ساخته شده، که ساختمان آن نزدیک به اتمام است.

زن خانواده می گوید:

«از پس که به بهبهان برای اتمام این خانه رفتم و به نهادهای کوتاگون سر زد، مریخی شده ام. اهالی این روستا خواستار اتحاد تمام نیروهایی هستند که از

انقلاب و خط امام دفاع می کنند و آزادی و برابری را می خواهند. ما در این زمینها کشت می کنیم و در این زمینها زندگی می کنیم. ما نمی خواهیم که زمینهایمان را بدهیم. ما نمی خواهیم که زمینهایمان را بدهیم. ما نمی خواهیم که زمینهایمان را بدهیم»

روستای خارستان: مرکب از دو قسمت به اسمی خارستان علیا و خارستان سفلی و جمعیت آن حدود ۳۰ خانوار است، که اخیراً دو خانواده از مناطق جنگزده به آنها اضافه شده اند.

ده فاقد آب لوله کشی، برق، حمام و درمانگاه است. ولی یک دبستان ۵ کلاسه با ۳۰ دانش آموز دارد.

دهقانانی که کمتر از یک خیش دارند، در فقر زندگی می کنند. این ده دارای ۴ باغ خرما است، که مجموعاً ۸۰۰ اصله خرما دارد و متعلق به اهالی ده است. حدود ۸ نفر از روستا خیش و زراعت خود را رها کرده و یا در شهر سگی گریه مانده و روزمزدی کار می کنند، یا این که در حاشیه رودخانه، ماسه برای ماشینهای کمپرسی جمع می کنند، که مزد ناچیزی می گیرند.

اینها زمینهای خود را به افراد بی زمین اجاره می دهند. یکی از دهقانان ابراز عقیده می کرد که:

«آن تعداد از کشاورزان که در شهر هستند و کسب و کار ثابت دارند، زمینهایشان را به جوانان بی زمین و کم زمین ده بدهند که مجبورند به کارهای غیر زراعتی، مثل ماسه بار کردن بپردازند»

دامداری در این قریه وجود ندارد. فقط هر خانواده دو سه گاو دارد، که مقداری از هزینه زندگی خود را با پرورش آن به دست می آورند.

ده دارای یک شوره ای ۵ نغره است، که با نظارت سپاه پاسداران و با انتخاب آزاد اهالی ده ایجاد گردیده (۳ نفر از اهالی خارستان سفلی و ۲ نفر از خارستان علیا)، ولی متأسفانه شورا هنوز درست به وظایف خود آشنا نیست و از همین رو فعالیت قابل توجهی ندارد، اما شورا توانست است با کمیته ارتاق بهبهان ارتباط برقرار کند و مقداری از ارتاق و مایحتاج روستائیان را تهیه کند. به کمک روحانیت مبارز و جهاد و اداره کشاورزی و فرمانداری، برای یک خانواده خوشنشین این روستا خانهای در ده ساخته شده، که ساختمان آن نزدیک به اتمام است.

زن خانواده می گوید:

«از پس که به بهبهان برای اتمام این خانه رفتم و به نهادهای کوتاگون سر زد، مریخی شده ام. اهالی این روستا خواستار اتحاد تمام نیروهایی هستند که از

انقلاب و خط امام دفاع می کنند و آزادی و برابری را می خواهند. ما در این زمینها کشت می کنیم و در این زمینها زندگی می کنیم. ما نمی خواهیم که زمینهایمان را بدهیم. ما نمی خواهیم که زمینهایمان را بدهیم. ما نمی خواهیم که زمینهایمان را بدهیم»

روستای خارستان: مرکب از دو قسمت به اسمی خارستان علیا و خارستان سفلی و جمعیت آن حدود ۳۰ خانوار است، که اخیراً دو خانواده از مناطق جنگزده به آنها اضافه شده اند.

ده فاقد آب لوله کشی، برق، حمام و درمانگاه است. ولی یک دبستان ۵ کلاسه با ۳۰ دانش آموز دارد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خرامه یار و یاور مستضعفان

خرامه، که مرکز بخش منطقه کرپال (استان فارس) است، حدود ۱۵۰۰۰ هزار نفر جمعیت دارد. این جمعیت را اقشار مختلف تشکیل می دهند:

- ۱- سرمایه داران بزرگ، که اغلب از سلف خران تشکیل شده اند،
- ۲- کارگران روزمزد، که بیشتر در کوره یزخانه ها کار میکنند،
- ۳- کشاورزان، که اکثریت آنها بی زمین و کم زمین هستند.

سرمایه داران، که بیشتر منافعیشان از منطقه برنج خیز کرپال تا مین می شود، با خریدن برنج "ثلتوک" بطور سلف، کل محصول برنج کرپال را بفارت می برند و در انبارها گاتی که در خرامه ساخته اند، جمع آوری میکنند. بخشی از این محصول را آنها در شهرهای جنوبی ایران و بنا در فروش می رسانند و بخش دیگرش را از صورت ثلتوک، در برنج کوبی های خرامه، به برنج تبدیل می کنند و بین کارگران روزمزد و کوره یزخانه ها به قیمت گزافی می فروشند.

برای مقابله با این غارتگران، نهادهای انقلابی کمک بزرگی به دهقانان می کنند. سپاه پاسداران وجها دسای زندگی، این نهادهای به معرومین و مستضعفان سراسر جامعه ما و منجمله دهقانان خرامه کرده اند، یکی از این خدمات بزرگ و ستایش انگیز سپاهیان پاسداران انقلاب اسلامی خرامه این است که، تمام محصولات را که بطور سلف در انبیا رهای خرامه جمع - آوری شده، صورت برداری و صاحبان آنها را مشخص کرده اند و نمی گذارند که محصول بدون برتا مه از شهر خارج شود بدست غارتگرانی بیفکر که در صدد انقلاب قرار دارند. دوم اینکه، از کل برنجی که توسط سرمایه داران در این برنج کوبی ها، از ثلتوک به برنج تبدیل می شود، ۱۰٪ آنرا برمی دارند و به نرخ عادلانه منی (۳/۵ کیلو) ۳۳۰ ریال بین مستضعفان به فروش می رسانند. در صورتیکه نرخ برنج، در بازار آزاد، منی ۵۵۰ الی ۶۰۰ ریال بفروش می رسد. این عمل گامی بزرگ در تحکیم دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است و توده های میلیونی زحمتکشان را در برابر تمام توطئه های داخلی و میربالیسم آمریکا همچون کوهی استوارنگه می دارد.

درد دل روستائیان «پالنگری»

هدایتی به نهادها و مسئولین دلسوز

با چند نفر از خوش نشینان روستای «پالنگری» در منطقه کاشمریز، که به شهر آمده اند، به صحبت می نشینیم و از مشکلات آنها می پرسیم. آنها میگویند که روستای «پالنگری» حدود ۵۰ خوش نشین و ۵۰۰ خانوار را دارد. خوش نشینها میگویند: «اسال اجاره مالک را که پرداختیم تقریباً هیچ چیز برای خودمان باقی نماند. آنها با حسرت ادا می دهند: «اگر ما هم مثل اهالی «خالوبی» متحد شده بودیم، میتوانستیم اجاره مالک غاصب را نپردازیم، گرچه مالک های روستای ما شهری نیستند و در محل زندگی نمی کنند و فشار بیشتری بر ما وارد میکنند»

متأسفانه بعلمت اشتباهاتی که شده، این زحمتکش نسبت به نقش شورا و کار هیئت نظری بدبین شده اند. آنها میگویند: «شورا تشکیل شد، ولی چون کنایه حرف ما را بزنتند و آن وجودتدا شدند و انتخابات هم بنا رای گیری مستقیم از ما انجام نشد، ما خودمان شورا را بهم زدیم. آنها با تاسف میگویند: «ما اتحادی به آن شکل نداریم». دهقانان عزیز نباید اهمیت کار شوراها را از یاد ببرند. آنها باید توجه داشته باشند که در جاهایی که شورا های مردمی تشکیل شده، کارهای زیادی برای مردم ده انجام شده است، دهقانان

اقدام انقلابی سپاه پاسداران نتواند مورد تأیید قرار گرفت

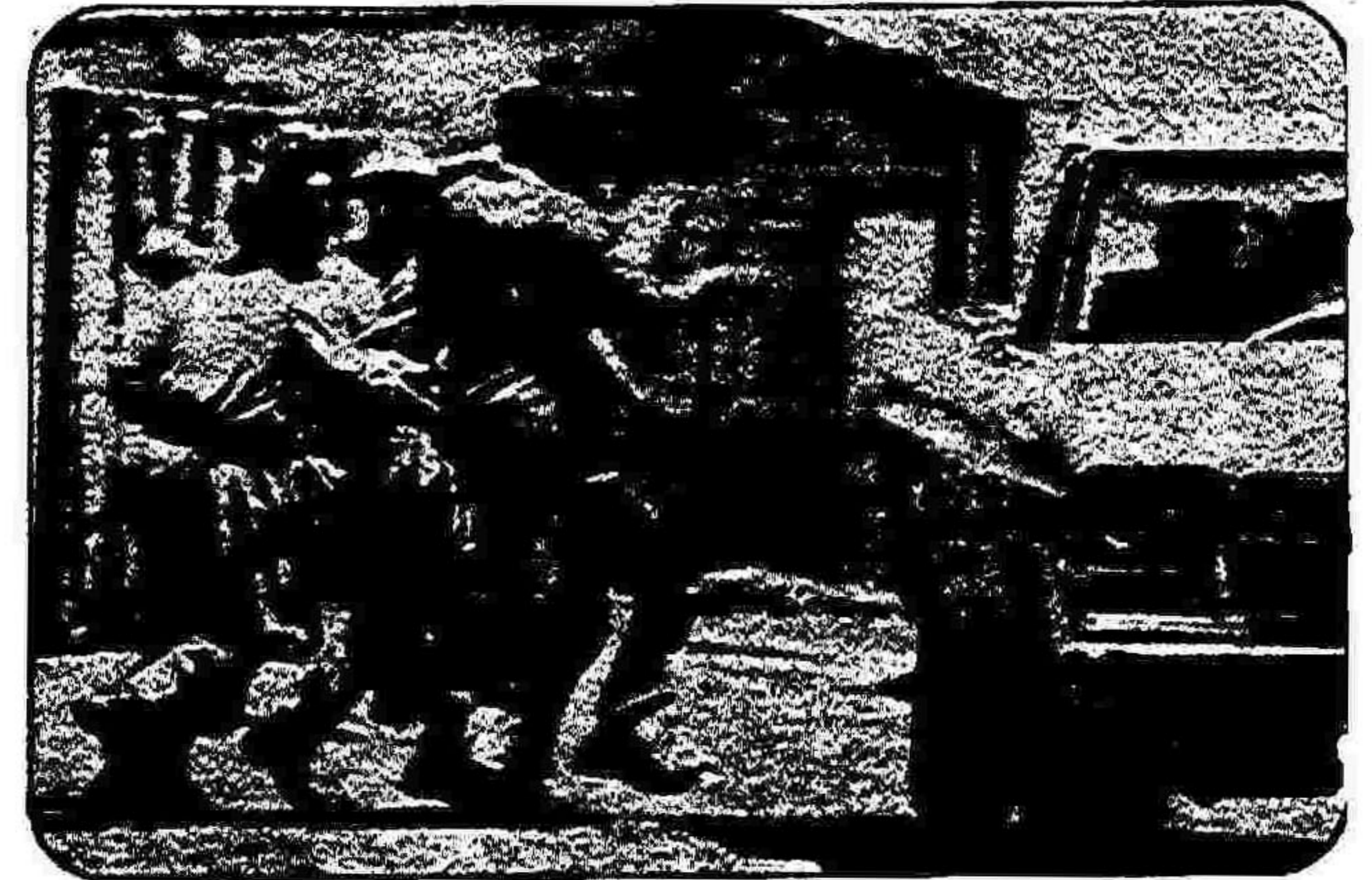
بدنیال صادره باغ یکی از ایادی رژیم گذشته در نهان سپاه پاسداران این منطقه، باغ یکی از فتووال های سابق نهان را نیز صادره کرد که ۴۰۰ متر مربع وسعت دارد. این منزل فعلاً مقر سپاه پاسداران نهان است. این عمل انقلابی از جانب هواداران خط امام و گروه های انقلابی در نهان مورد تأیید قرار گرفت. به علاوه، دانش آموزان و جمعی از مردم، اقدام به راهپیمایی کردند و در ضمن راهپیمایی شعارهایی علیه سرمایه داران فتووال می دادند.

امام خمینی: حقوق مردم محروم، که عمری است مالکین و سرمایه داران بزرگ خورده اند، به معرومین باز پس داده می شود.

نظام بردگی در آفریقای جنوبی

یکسال است که رشته تظاهرات و اعتصابات دانش آموزان سیاه پوست در آفریقای جنوبی گستره نمی شود. تاکنون صدها هزار نفر در این اعتراضات شرکت کرده، هزاران تن از سوی پلیس

ایارتید می ریزند، یکی از دانش آموزان "کیپ تاون" پاسخ داد: "چون نمی خواهیم انسان های درجه دو و سه باشیم!" واقعات بر نشان می دهد که



کوچک ترین مقاومت در برابر برده داران آفریقای جنوبی، با سرکوب وحشیانه روبرو می شود.

بوئا دستگیر و با معدوم گردیده و صدها نفر به هلاکت رسیده اند. در برابر این بر سرش که: چرا از رستاخیز "سووتو" در سال ۱۳۵۴، تاکنون این همه نوجوان و حتی کودک در صفوف پیشاپیش علیه

کودکان سیاه پوست در آفریقای جنوبی بیش از همه از سیستم سرکوب آپارتید رنج می برند: * از نزدیک به ۲۸ میلیون شهروند آفریقای جنوبی، تنها ۴/۴

میلیون نفر سفید پوست هستند. اما دولت بوئا برای دانش آموزان سفید پوست ده برابر دانش آموزان سیاه پوست خرج می کند.

* گزارشی که چندی پیش به "کمسیون حقوق بشر" ارائه شد، نشان می دهد که کودکان غیر سفید پوست به گونه ای غیر انسانی استثمار می شوند. هزاران تن از کودکان کارگران روستایی مجبورند در شرایط بردگی در مزارع سفید پوستان کار کنند.

* در بانتوستان ها، که نزدیک به نیمی از آفریقای های سیاه پوست در آن ها مجبور به زندگی هستند، یک - پنجم کودکان، پیش از آن که یک ساله شوند، فوت می کنند. بدین ترتیب، نرخ مرگ و میر کودکان سیاه پوست ۱۳ برابر بیکره همانند برای کودکان سفید پوست است.

در بانتوستان ها پنجاه هزار تا صد هزارتن فقط از یک پزشک بهره مند می شوند.

اهالی بانتوستان ها در فقری دهشتناک بسر می برند. هر خشکالی

به مرگ عده ای بی شمار، به ویژه نوجوانان، می انجامد. کارشناسان پیش بینی می کنند که زمستان امسال (تابستان ما) در آفریقای جنوبی بیش از ۵۰ هزار کودک بر اثر سرما درگذشتند.



س.ی

در جلسه ای با شرکت مبارزان آمریکائی و مکزیکئی:

هواداران حزب توده ایران در آمریکا توطئه های آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را محکوم کردند

در جلسه ای که به دعوت هواداران حزب توده ایران در آمریکا ترتیب یافت، توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و تجاوز نظامی رژیم صدام حسین برای دوستان آمریکائی انقلاب ایران تشریح شد.

این گردهمایی روز ۲۴ آبان ۵۹ در یکی از سالن های دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در لوس آنجلس برگزار شد. سالن مزبور با عکسهای از امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، شهدای راه استقلال و آزادی ایران: خسرو روزبه، حکمت جو، گل سرخی و چند شهید دیگر و همچنین با شعارهای:

"زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!"

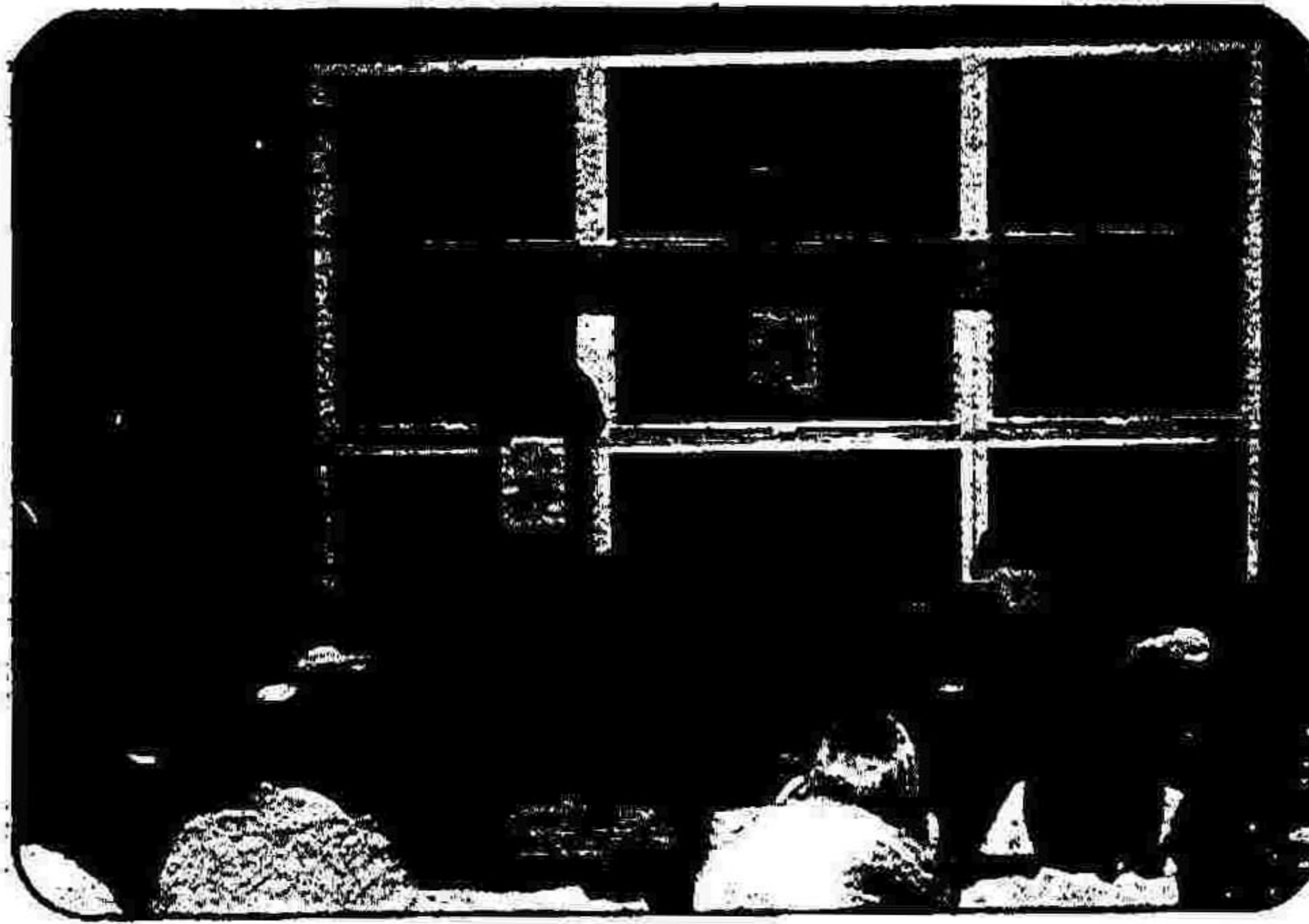
"مرگ بر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!"

"برقرار باد جبهه متحد خلق!"

ترتیب شده بود. مراسم در ساعت هفت و نوزده دقیقه بعد از ظهر، با سرود حزب توده ایران، آغاز شد.

اولین سخنران برنامه، که از دوستان سیاه پوست بود، به نمایندگی از "اتحادیه ملی علیه نژادپرستی و فشار سیاسی"، درباره پیوند مبارزات مردم ایران و مستکشان آمریکا، اثرات انقلاب ایران بر سیاه پوستان آمریکا و پشتیبانی آنان از امام خمینی و نژادپرستی در آمریکا صحبت کرد. وی در پایان سخنانش، همسنگی این سازمان را با انقلاب ایران و دانشجویان مترقی ایرانی در کالیفرنیا ابراز داشت.

بیروی این اندیشه، ضمن اصل ۴۴، علاوه بر اینکه کلیه صنایع بزرگ معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، شبکه های بزرگ آید - رسانی، پست و تلگراف و... را در مالکیت عمومی قرار میدهد، تجارت خارجی را نیز ملی کرده و در مالکیت عموم قرار داده است. (پیام انقلاب، آرگان سیاه پوستان - ۱۲ آذر ۱۳۵۹)



همسنگی کرد. آخرین سخنران که، رفیقسی از هواداران حزب توده ایران بود، درباره اهمیت انقلاب ایران، دسایس امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب، تجاوز رژیم جنایتکار صدام به ایران و شرکت اعضا و هواداران حزب توده ایران در جنگ مقاومت علیه تجاوز - گران صدامی و شهدای حزب در این جنگ صحبت کرد.

در این هنگام به مناسبت بزرگداشت همه شهدای جنگ یک دقیقه سکوت اعلام شد، و از رفیق شهید، عسکر دانش شریعت پناهی و سایر رفقای شهید حزبی و همه شهدای جنگ تجلیل بعمل آمد.

در توطئه های گستر

بعضی ها برای اینکه جای سرمایه داران وابسته به دربار را بگیرند، با شاه و دربار به مبارزه برخاستند

هرچه بیشتر زمان می گذرد، آشکارتر می شود که نخیر بعضی ها هم برای سرنگونی شاه کمک نکردند تا قسط و عدالت علی گونه برقرار شود، بلکه مخالفتشان و مبارزه شان (اگر بتوان پول خرج کردن را مبارزه ای همای از جان مایه گذاردن به حساب آورد) از موضع و انگیزه ای جداگانه انجام گرفته است. یعنی آنها به این دلیل با شاه مبارزه کردند تا او را باند او را متلاشی کنند، چون شاه و اعیان و انصارش همه را خود می دزدیدند و به جیب می زدند و این مبارزان!! نیمه راه نگران بودند که چرا سهم کمتری دارند. از این نظر منافع شان در این بود که شاه مدفون را از میدان بدر کنند، تا خود بتوانند میدان سی رقیب را برای همان اقدامات و اعمال شاهانه قبضه کنند. بنابراین پذیرش اینها به عنوان انقلابی و حامی انقلاب از روی ساده اندیشی و خوش باوری است. اینکه می گوئیم قیام و مبارزه آنها بر علیه شاه معدوم برای جیاول مردم بوده که ادعا نیست، بلکه واقعیتی است که از لابلای اخبار بی دربی از شرایط بازار و قیمت ها و نرخها به دست

حکومت اسلامی باید دست سودجوی و «فارتگر» و به گفته قرآن «اکل بالسطح» را از منافع و منابع مردم قطع کند. همان گونه که امام در کتاب ولایت قیامه می گویند - و در ابتدا نقل شد - حرام خواری و سودجویی منحصر به مورد مشهور و پیش ریا افتاد «بقال سر کوچه» نیست، بلکه سرمایه داران بزرگ و شبکه های پیچیده امور مالی، حرام خواری واقعی و ریشه دار کنونی است که امروز با ترقی علم و صنعت و تکنولوژی، که همگی در اختیار این صاحبان سرمایه و قدرت هستند، حقوق

ضرورت اجرای فوری اصل ملی کردن تجارت بازرگانی خارجی

اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید!

از: شرف

همواره چنین بادا!

این شور که در خلق است همواره چنین بادا! ایمنان فرزانش این خلق که می‌رزد افزونتر ازین بادا! با لشکر دیو در راه یا شور بیرون از حد پیوسته قرین بادا! ای حقته بختک و خون در تپه و در هامون آن پیکره گلگون گلزار زمین بادا! رزمه سلفه آزادی هر چند که خون نادی مردی تو ولی شادی خرم تو جزین بادا! خلق همه گوش ما شد دوش پندش ما فریاد و خروش ما پرچم برین بادا! ای توده مستضعف پیکار مته از کف با دشمن صف در صف چشمت به کمین بادا! عالم شده پر غوغا زین جنبش بی همتا این گوشش و کار ما همواره همین بادا! اول دیماه ۱۳۵۹

ضد انقلاب رشت را به آشوب و زد و خورد کشاند

* در زد و خورد های روز یکشنبه گذشته رشت ۴۸ نفر مجروح شدند * حزب توده ایران تشنج و درگیری رشت را که عوامل مشکوک و ناشناس آنرا برانگیختند عملاً بسود ضد انقلاب می‌داند و آنرا محکوم میکند.

کردن شدید عاملان قتل فرشته مجاهده و ایجاد کنندگان تشنج و درگیری از مقامات مسئول کیلان می‌خواهد هر چه سریعتر این جنایتکاران را که مسلماً از جانب عوامل وابسته به امپریالیسم آمریکا سرچ شده‌اند دستگیر و به مجازات برساند.

حزب توده ایران همچنین بار دیگر از سازمان مجاهدین خلق ایران می‌طلبید احساس مسئولیت و با توجه به شرایط حساس کنونی اجازه ندهد که ناخواسته به تشنج‌ها و درگیری‌هایی کشانده شوند که فقط بسود ضد انقلاب است.

صبح روز یکشنبه با آغاز تشنج جنازه توسط هواداران سازمان مجاهدین، گروهک‌های آمریکائی پیکار، رنجبران، رزمندگان و سایر تریب‌های پوک که عده‌ای از آنها از رودسر و لنگرود به رشت آمده بودند، به صف تشنج کنندگان پیوستند.

تشنج کنندگان بعد از طی خیابان شریعتی رشت و عبور از میدان شهرداری وارد خیابان امام خمینی شدند. در این خیابان در مقابل بانک بیمه ایران عده‌ای از افراد مشکوک به آنها حمله کردند. پاسداران انقلاب مانع درگیری شدند و جنازه با آمبولانس توسط سپاه پاسداران به گورستان حمل شد.

بعد از حمل جنازه، تشنج کنندگان و افراد مشکوک در دو طرف خیابان در مقابل هم صف بندی کردند و به ربات سنگ به یکدیگر پرداختند. در این میان افراد ناشناسی از هر دو طرف به طرف مقابل تیراندازی کردند. ساعتی بعد دو طرف درگیر با وسایل مختلف در خیابان رام‌بندان ایجاد کردند و سنگ پراکنی شدت گرفت. سرانجام در ساعت ۲ بعد از ظهر با مداخله سپاه پاسداران به درگیری پایان داده شد.

بر اساس اطلاعات رسیده در این درگیری بیشتر از ۴۸ نفر مجروح و مصدوم شده‌اند که آنها را به بیمارستان منتقل کرده‌اند. حزب توده ایران ضمن محکوم

توجه! مقالات زیر که در روزهای اخیر در نامه «مردم» انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه می‌شود: * ادامه کار هیئت های هفت نفری علیرغم همه توطئه‌ها، مشکلات، تقصیرات و اعمال فتنه‌ها (شماره ۴۰۶): * هشدار! هشدار! آمریکا در آستانه اجرای توطئه هفتم است. (شماره ۴۰۹).

سه عضو حزب توده ایران در میان دو آب آزاد شدند

رفقا عبدالله کردپور، کریم نورانی و خالد قریشی از مسئولین حزب توده ایران که بدون هیچ دلیلی در اواخر آذرماه در میان دو آب یازداشت شده بودند، آزاد شدند.

سه رفیق توده‌ای را آزاد کنید

دوماه و نیم از یازداشت‌شدن رفقا از اعضای و هواداران حزب توده ایران در تهران می‌گذرد. رفقا حسین اصف‌پور، مرتضی آتشی‌فر و ناصر امام‌جبهه‌زاده، دوماه و نیم پیش در رابطه با توطئه‌ای که علیه حزب توده ایران و براساس اخبار نادرست و تحریک آمیز و افترا و پشیمان، ترتیب یافته بود، بنا به اشتغال ساختمان فرهنگی جنوب در تهران یازداشت شدند و متأسفانه هنوز آزاد نشده‌اند.

۳ هوادار حزب توده ایران در بیمار آزاد کنید

سه تن از هواداران حزب توده ایران بنام‌های محمود قنبری پور، رضا مومن آبلای و رضا محمد آبلای روز ۹ دی ۵۹ در حال نوشتن شعارهایی در دفاع از روحانیت مبارز پیرو خط امام دستگیر و زندانی شدند. پاسدار، معرفی کردند سپس به منزل رضا محمد آبلای و محمود قنبری پور رفتند و تمهیدی از کتابهای منتشره از طرف حزب توده ایران را بعنوان «مدرک» با خود بردند! طبق اطلاعات رسیده، این رفقا در حال حاضر به دادگاه انقلاب

مردم متحد، متشکل انقلابی را تکه تکه و پاره پاره کنید و تاریخ را از خیانت خود پر کنید، بیایید برنامه بدهید، بیایید طرح بدهید، بیایید بجای خراب کردن سازنده باسید.

در خواست تهاجم به نیروهای مزدور صدامی

در پایان مراسم قلمنامه رامیسانی قرائت و با فریادهای «الله اکبر» دریای جمعیت تصویب شد. در قلمنامه ضمن محکوم کردن توطئه علیه روحانیت مبارز، پشتیبانی از قوای سه‌گانه و محکوم کردن هر گونه تشنج، درگیری، تصنع و اغصاب در سطح کشور که در خط آمریکاست آمده بود: - ما حمایت بی‌دریغ خود را از نهادهای انقلابی، امم از دادگاه های انقلاب، کمیته‌ها، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی و سایر نهادهای جوشیده از بطن انقلاب اسلامی که حساسترین نقش را در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب داشته‌اند اعلام و هر گونه توطئه بر علیه آنها را محکوم می‌کنیم. - ما ضمن تقدیر و تشکر از کلیه نیروهای مسلح نظامی و انتظامی، عشایر و داوطلبین رزمنده با الهام از فرمایشات فقیه‌عالمقدر امید امام است حضرت آیت‌الله منتظری که فرمودند سیاست وقت کسی و مهلت تدارک نیرو به‌رژیم سفاک عراق دادن به قیمت ریخته شدن خون صدها جوان مسلمان و به‌وجود آمدن امید توطئه‌های شیطانی برای آمریکا تمام خواهد شد باز دیگر از مسئولین امر می‌خواهیم هر چه سریعتر صفوف جنگ را شکسته و با تهاجم در آوردن نیرو های اسلام هر چه زودتر سرزمین اسلامی ایران را از لوٹ مزدوران حکومت یعنی پاک گردانند. - ما بپایان نقاط مسکونی را که توسط رژیم خون‌آشام‌صدام صورت می‌گیرد نشانه ضعف و زبونی او دانسته و سکوت مجامع بین‌المللی و به‌اصطلاح حقوق‌بشر را در برابر نقض آشکار همه قوانین جنگی از ناحیه دولت سرسپرده بعث محکوم می‌کنیم. - با در نظر گرفتن شرایط زمان جنگ و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رساندن ندای حق طلبانه ملت مسلمان ایران به گوش جهانیان مجدداً از مسئولین امر می‌خواهیم که هر چه زودتر کابینه را تکمیل و خلاصه ناشی از نبودن سه وزیر خارجه، اقتصاد و دارائی و بازرگانی را بر سازند. - ما سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا در رابطه با حملات ناجوانمردانه صیونیسم به جنوب لبنان، سفر کینینجر به خاورمیانه و کمک نظامی به کشورهای مزدور منطقه را محکوم کرده و به گفته امام بزرگترین دشمن خود را آمریکائی جنایتکار می‌دانیم.

دولت شعارش، برنامه‌اش عبارت است از پشتیبانی از مستضعفان، جلوگیری از مترقان و پشتیبانی از نهادهای انقلابی. شما نیز هوشیار باشید، همه‌جا، در همه شرایط ما پشتیبان مستضعفان جهان هستیم، مانع گذاریم مترقین و یخورها جامعه ما را به جامعه مصرفی دوران شاه و رژیم منقور برگردانند. نخست‌وزیر در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «(مردم) وقتی دیدند جیبه ملی با تمام قوایش می‌خواهد ما را به سمت یک حکومتی و به سمت یک رژیم که شباهت بسیاری با رژیم غربی دارد بکشاند او را طرد کردند. او افزود: «لبیرالها دیدند که ما با غرب می‌جنگیم و بسیار سرسخت می‌جنگیم». محمدعلی رجائی در قسمت دیگری گفت: «اگر بند خونین شهر را دشمن موقتاً تصرف کرده است و بندر امام قابل استناد نیست و امکان وارد کردن ارزاق کم شده است، مردم ما نه تنها با مصرف کم، رشد انقلابی خود را نشان می‌دهند، بلکه کریمانه از همان مقدار کمی هم که دارند برای مردم مسلمانان که در جبهه‌های جنگ برای بیرون راندن صدام و مزدوران صدام می‌جنگند کمک می‌کنند. اگر کسی جامعه‌شناسی بداند و بخواهد ببیند که واقعا این مردم چه می‌گویند، کافست در میان این توده‌های میلیونی مسلمان حرکتی کند و ببیند که از شکم خود می‌برند و به سرباز، به سپاهی، به مردمی که می‌جنگند تقدیم می‌کنند. نخست‌وزیر در جای دیگری از سخنان خود درباره توطئه‌ها و جوسازی‌های ضد انقلاب سخن گفت و افزود: «ما برای اینکه بتوانیم جامعه خود را با میارهای انقلابی بسازیم، ما برای اینکه انقلاب اسلامی را تحقق بخشیم از هر زمان دیگری بیشتر به آرامش احتیاج داریم، ولی ضد انقلاب که اینترنیز خوب می‌داند، ما را در اینراه دچار اشکالات می‌کند. دولت تصمیم دارد در برابر جو-سازیه‌ها، اشکال تراش‌ها، صیور، محکم و با استقامت بماند که فرمان انقلاب است. امام فرمان داده است، مردم فرمان داده‌اند. در اجرای این فرمان استقامت خواهیم کرد و ضد انقلاب داخلی و خارجی را به گورستان خواهیم فرستاد». نخست‌وزیر در ادامه سخنان خود از همه کسانی که برنامه‌ای مقیدتر از برنامه فعلی برای پیشرفت کشور دارند خواست آن را در اختیار دولت بگذارند و اعلام کرد به شرطی که این برنامه مغایر با انقلاب اسلامی نباشد دولت آنها را با هر بودجه‌ای اجرا خواهد کرد. نخست‌وزیر افزود: «ما هیچ کجای دنیا مخالف بدون برنامه ندیده‌ایم. شما چگونه مخالفی هستید که خود را متضمن، دانشمند، جامعه‌شناس، عالم و اداره کننده می‌دانید و از برنامه شما مردم ما بی‌اطلاعتند. برنامه‌های خود را اعلام کنید و بجای تفرقه‌افکنی و بجای اینکه این

بزرگترین دشمن خود را ...

بقیه از صفحه ۱ روده‌های خروشان مردم از اولین ساعات پاسداد دیروز برای شرکت در راهپیمائی ۲۸ صفر از نقاط مختلف تهران بحرکت درآمد و در میدان خراسان به دریای عظیم انسانی تبدیل شد. مردم شعار می‌دادند: - از شر آمریکا ما را رها کن، الله - از صفت سازشکار ما را رها کن، الله قبل از آغاز سخنرانی نخست‌وزیر، میدان در طنین شعار: - آمریکا، آمریکا، مرگ به تیرنگ تو خون شهیدان ما می‌چکد از چنگ تو می‌رزید. در این مراسم محمدعلی رجائی نخست‌وزیر، ضمن سخنانی درباره تهاجم رژیم صدام به خاک میهن انقلابی، گفت: «بجانبیم. نگذاریم که دشمن بیچاره که در حداقل قدرت و در نهایت ضعف است جای پای خود را محکم کند، او را به گورستان بفرستیم». نخست‌وزیر در دنباله سخنان خود از کارمندان خواست انقلابی عمل کنند و انقلاب را به ادارات ببرند و گفت: «بجانبیم، والا خشم مردم گریبان ما را خواهد گرفت». نخست‌وزیر سپس خطاب به کارگران گفت: «برادران پرشور کارگر یکوشیم از منابع موجود حداکثر بهره‌برداری را بکنیم تا رفع کمبودها بشود این منابع منظم شود و شایستگی خود را در تولیدات لازم آنچنان نشان دهیم که این نیز یک طریقی است برای کوبیدن مشت محکم بر دهان ضد انقلاب». نخست‌وزیر در ادامه سخنان خود درباره اهمیت سه‌بینه‌بندی سخن گفت و از مردم خواست: «در این راه دولت راه یعنی خودتان راه یاری کنید. بگذارید با این شیوه اسلامی و خدائی دشمن را به گورستان تاریخ بفرستیم که این راه نجات ماست. ما تسلیم نمی‌شویم و چنین چیزی برای ما امکان ندارد». نخست‌وزیر افزود: «در برابر توطئه‌ها و تفرقه‌افکنی‌ها آرامش خود را حفظ کنیم. ضد انقلاب می‌خواهد مانع شود که ما بر اعصاب خود مسلط شویم. ما باید ضد انقلاب را با قدرت هر چه تمامتر از صحنه زندگی خود خارج کنیم». نخست‌وزیر در دنباله سخنان خود، علت مخالفت با دولت را دو چیز دانست و گفت: «علت اول اینست که دولت در سیاست خارجی با الهام از فرهنگ انقلاب، قاطع و سبزش‌ناپذیر بوده است». نخست‌وزیر اضافه کرد: «علت دوم مخالفت ضد انقلاب با ما اینست که ما در سیاست داخلی در مقابل توطئه‌ها با ثبات قدم هر چه بیشتر ایستادگی کرده‌ایم و باید بدانند که این ایستادگی و این قاطعیت در مقابل هر توطئه‌ای که باشد همچنان ادامه خواهد داشت». نخست‌وزیر در قسمت دیگری از سخنانش گفت:

در گذشت يك عضو قدیمی حزب توده ایران



با کمال تأسف اطلاع پیدا کردیم که رفیق جابر ایلدار مدنی، یکی از قدیمیترین اعضاء حزب توده ایران، در اثر بیماری درگذشته است.

این رفیق باوقای حزب توده ایران، که در سن ۵۲ سالگی زندگی را بدرود گفت، در سال ۱۳۰۲ در شهرستان آریاشهر آذربایجان متولد شد. او در سال ۱۳۲۳ به عضویت فرقه دمکرات آذربایجان درآمد و پیراز لشکر کئی شاه ملمون به آذربایجان، در سال ۱۳۲۵، مجبور به ترک آذربایجان شد. وی در سال ۱۳۲۷ در تهران دستگیر و زندانی شد. رفیق جابیر پس از آزادی از زندان، به فعالیت در تشکیلات حزب توده ایران پرداخت. او در قیام ۳۰ تیر فعالانه شرکت داشت

و در جریان برخوردهای خیابانی مورد اصابت گلوله قرار گرفت. رفیق جابر ایلدار مدنی، پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، برای بار دوم دستگیر و زندانی شد. او پس از آزادی از زندان به فعالیت مخفیانه داد و عاقبت با پیروزی انقلاب ایران و آغاز فعالیت علنی حزب توده ایران، مجدداً به تشکیلات حزب پیوست. متأسفانه هنوز مدتی از فعالیت رفیق در تشکیلات حزب توده ایران نگذشته بود که به علت بیماری و عمل جراحی، چشمان او نابینا شد. با اینصاف هرگز از فعالیت‌های حزبی غفلت نمی‌کرد و این اواخر از دوستان خود می‌خواست که نامه «مردم» را بلند برای او بخوانند. رفیق جابیر می‌گفت:

«در تمام این مدت سیاه ۲۵ سال آرزو داشتم که دوباره فعالیت علنی و آزادانه حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران را بینم، و اینک به آرزوی دیرینه خود رسیدم.»

رفیق ایلدار مدنی به هنر نیز علاقه خاصی داشت و گاه شعر می‌گفت و نقاشی می‌کرد. ما ضایحه اسفناک فقدان این رفیق وفادار را به همه خویشان و دوستان وی صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود



حمایت مردم پاناما از مبارزات مردم السالوادور

مبارزه قهرمانانه خلق السالوادور علیه داورسته حاکم بر کشور و امپریالیسم‌ها آمریکا، با حمایت قاطع خلقهای آمریکای لاتین روبرو شده است.

دکتر کارلوس پرز هرا، رئیس «کمیته همبستگی مردم پاناما با السالوادور»، آنچه را که در السالوادور روی می‌دهد با جنایات مزدوران سوموزا و مستشاران آمریکایی در نیکاراگوئه مقایسه کرد و گفت:

«حتی سوموزا نیز جرئت نمی‌کرد آن دست از کشش‌های مبارز را، که از ظلم و ستم به جان آمده و از منافع خلق دفاع می‌کردند، قتل عام کند، در صورتی که اکنون در السالوادور مزدوران آمریکایی، علاوه بر کشتار مسیخ‌دوستان و آزادیخواهان، کشیش‌هایی را نیز که از خلق دفاع کرده بودند، به قتل رساند.»

دکتر پرز هرا گفت:

«مردم پاناما تمام پشتیبانیت‌های جنایات داورسته حاکم بر السالوادور و امپریالیسم آمریکا را محکوم می‌کنند و از مبارزه خلق السالوادور، که حلقه‌ای از زنجیره مبارزات مردم مستبدینه آمریکای لاتین است، حمایت می‌کنند.»

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
مدیر مسئول:
منوچهر بیژادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست)

NAMEH MARDOM
No. 412
6 January 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۱۳۵۹/۴۱، منطقه
۱۴ پستی تهران

برنامه کودکان و نوجوانان، برنامه‌ای در سمت انقلاب

تلویزیون

برنامه کودکان و نوجوانان یکی از مهم‌ترین برنامه‌های تلویزیونی است، زیرا هدف آن تربیت و پرورش نسلی است که در حال پاک‌کردن است و سال‌های توأم گرفتن شخصیت خویش را میگذرانند. از سوی دیگر، تنظیم این گونه برنامه‌ها نیز سادگی صورت نمی‌گیرد. زحمت و دشواری تهیه برنامه‌های برای کودکان و نوجوانان به‌راستی بیشتر از برنامه‌های دیگر است. خوشبختانه تهیه کنندگان و گردانندگان برنامه کودکان و نوجوانان سیمای جمهوری اسلامی ایران چنین زحمت و دشواری را به‌جان خریدند و با هوشیاری و تیزبینی، کم‌وجه غالب کار آنهاست، این وظیفه مهم اجتماعی را در مجموع با موفقیت پیش می‌برند.

خط اصلی برنامه کودکان و نوجوانان سیمای جمهوری اسلامی ایران در مجموع در جهت انقلاب پرشکوه ایران قرار دارد. گفتارهای این برنامه به آگاهی هر چه بیشتر کودکان و نوجوانان در شناخت «دوست و دشمن» و چگونگی مبارزه با دشمنان می‌افزاید، ماهیت امپریالیسم آمریکای رژیم صدام را بر ملا می‌کند و بیشتر از همه، بر راز فروری بر آنان، یعنی اتحاد فکری می‌کند.

به نظر ما، این اندیشه‌های انقلابی کاملتر و موثرتر بر ذهن کودکان و نوجوانان می‌نشست، اگر بجای استفاده مداوم از

چهارچوب خشک گفتارها، بیشتر به آن جنبه نمایشی و یا مناظرهای داده میشد. کارتون‌هایی که بخش اعظم این برنامه را بخود اختصاص میدهد، در مجموع سبب‌رأز یکی دو کارتون از محتوای مناسبی برخوردار است. مداد جادو، داستان گل‌های سلام بر میمون و خرگوش و روپاه، از جمله کارتون‌هایی هستند که کودکان و نوجوانان را با زندگی «انسان‌گونه» آشنا می‌سازند و یا مفاهیم «تجربیدی» را بگونه‌ای ملموس برای آنها توضیح می‌دهند.

متأسفانه باید گفت کارتون‌هایی که «بوریس و ناتاشه» و «گوزن و راسو» شخصیت‌های اصلی آن هستند، یا مجموعه کارتون‌های تلویزیونی این برنامه در محتوا هم سستی ندارد. مثلاً «بوریس و ناتاشه» به اصطلاح جاسوس‌هایی هستند که از طرف «بالاتر»های خود مأمورند تا در «نظام منجم و خوب و انسانی» (آمریکا!) اختلال کنند. این دو شخصیت سرقوپی تقلبی چاپ می‌زنند، تا بازار بورس را از رونق بیندازند؛ تابلوهای مشهور را از موزه‌ها می‌زدند، تابه «بالاتر»های برسانند

تحریف تاریخ معاصر جهان

عوامل دیگری را باعث و بانی جنگ‌های امریکایی و باین‌ترتیب امپریالیسم را از این جنایات ضدبشری برتره کنند.

برای مثال، آخرین قسمت این مجموعه، که شششنبه گذشته پخش شد و در آن وقایع جنگ دوم جهانی، از قرارداد «آنتی کمیترن» (قرارداد بین آلمان هیتلری و ایتالیای موسولینی و ژاپن هیروهیتو بر ضد اتحاد شوروی) تا قرارداد عدم تجاوز اتحاد شوروی و آلمان هیتلری به اصطلاح باز-آفرینی شده بود، چیزی نبود غیر از تحریف آشکار مشهورترین وقایع تاریخ جنگ دوم جهانی بود امپریالیسم.

به نظر ما، این درشتان سیمای جمهوری

معمولاً آخرین برنامه شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی ایران در جمعه شب‌ها، سریالی است که فرانسوی‌ها آنرا درباره «تاریخ معاصر» ساخته‌اند. این سریال، که از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر آغاز میشود، مجموعه‌ای طولانی است که هدف آن، بازآفرینی تاریخ معاصر جهان است. این مجموعه، به‌شبهه مورخان سرمایه‌داری، هدف اصلی‌اش قلب تاریخ معاصر و تحریف وقایع و رویدادهای مشخص آن بود امپریالیسم جهانی است. امپریالیست‌ها، که برای تقسیم جهان، هر دو جنگ جهانی را برافروختند و دامن زدن در بازنگری به این تاریخ، ام از آنکه توسط کتاب باشد یا فیلم، می‌کوشند

باز هم يك فیلم بد از شبکه دوم

اما متأسفانه فیلم «جغد نام مرا صدا زده» که از شبکه دوم پخش شد، فیلمی بود در ظاهر مذهبی، اما با محتوای ضددرصد خرافی. این فیلم در واقع رواج‌دهنده آن چیزی بود که امپریالیست‌ها بنام مذهب می‌شناسند و یا رواج آن هدفی غیر از پخش خرافات و پنداره‌های دروغین ندارند.

«تقلاری در برف» براسی اثری درخشان در ستایش کار جمعی و تعاون و همکاری انسان برای اهدای عالی انسانی بود. فیلم «آتش پر فراز شهر» به مقاومت پارتنزها علیه اشغالگران نازی می‌پرداخت و از حماسه خلق‌ها علیه دشمن تجاوزکار سخن می‌گفت.

اجرای ضعیف يك اثر خوب

تفاوت یمانند، بدون تردید هم انتخاب چنین موضوعی در اوضاع کنونی کشور، که با تجاوز فاشیستی رژیم صدام روبروست، و هم پخش اثری از پرست از سیمای جمهوری ایران، قابل ستایش است. اما متأسفانه باید گفت که این نمایش، در مرکز سیمای جمهوری اسلامی ایران - شیراز، به کارگردانی عباس جمالی تهیه شده بود، پیچیدگی دارای اجرائی نبود که بازگویی محتوای نیرومند اثر باشد. بازیهای ضعیف، تفاوت یمانند، بدون تردید هم انتخاب چنین موضوعی در اوضاع کنونی کشور، که با تجاوز فاشیستی رژیم صدام روبروست، و هم پخش اثری از پرست از سیمای جمهوری ایران، قابل ستایش است. اما متأسفانه باید گفت که این نمایش، در مرکز سیمای جمهوری اسلامی ایران - شیراز، به کارگردانی عباس جمالی تهیه شده بود، پیچیدگی دارای اجرائی نبود که بازگویی محتوای نیرومند اثر باشد. بازیهای ضعیف،

چهارشنبه شب گذشته، سیمای جمهوری اسلامی ایران - شبکه اول - اثر معروف پرتولد پرشت، نویسنده انقلابی آلمانی را، که در جهان و ایران شهره خاص و عام است، پخش کرد. این اثر «تنگنای نه گلاره» را پرشت در سال ۱۹۳۷ نوشت. ماجرای نمایشنامه در ایام جنگ داخلی اسپانیا می‌گذرد و در آن پرشت نشان میدهد که انسان به‌هیچ‌وجه ممکن نیست در مقابل جنایات فاشیسم بی-تفاوت یمانند، بدون تردید هم انتخاب چنین موضوعی در اوضاع کنونی کشور، که با تجاوز فاشیستی رژیم صدام روبروست، و هم پخش اثری از پرست از سیمای جمهوری ایران، قابل ستایش است. اما متأسفانه باید گفت که این نمایش، در مرکز سیمای جمهوری اسلامی ایران - شیراز، به کارگردانی عباس جمالی تهیه شده بود، پیچیدگی دارای اجرائی نبود که بازگویی محتوای نیرومند اثر باشد. بازیهای ضعیف،

رهبران «مبارزان» افغانی باز هم بملست بوس سادات رفتند

يك هیئت ۷ نفری از رهبران به اصطلاح «مبارزان» افغانی برای چندمین بار بملست بوس سادات رفت.

قیقت‌الله مجیدی، که ریاست این هیئت را برعهده دارد، ضمن اعلام اینکه بدعت کمیته موسسان «اتحادیه کشورهای اسلامی و عرب» وارد قاهره شده است، در مصاحبه با روزنامه الاحرام، از «کمک‌های ذقیمت سادات» تشکر کرد و گفت:

«فرد باید بیشتر به ما کمک کند، او که بنیانگذار همه گروه‌های به اصطلاح مبارز افغانی است، افزود:

«بعضی از کشورهای عربی (عربستان و شیخ‌نشین‌ها) قول داده‌اند که کمک به مبارزان را افزایش دهند»